



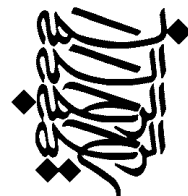
امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیک‌تر از سیاهی چشم به سفیدی‌اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱





تولید مبنای نظری برنامه‌های توسعه اسلامی

## اصول تئوریک مدل برنامه یا الگوی شناخت روش برنامه (برگرفته از گزارش جلسات الگوی تنظیم برنامه حوزه)

نقد و نقض مبنای نظری و مستندات برنامه توسعه چهارم

### مندرجات محصول:

۱. تبیین ۱۲ عنوان اصلی جدول (مقاطع، مراحل و سطوح)

۲. تبیین ۲۷ عنوان درونی جدول الگوی تنظیم برنامه

## حسینیه اندیشه

محصول پنجم

تاریخ شروع:

۱۳۸۵/

تاریخ پایان:

۱۳۸۵/

مدت پژوهش: روز

محتوا

← اصول تئوریک مدل برنامه یا الگوی شناخت روش برنامه



سرپرست پژوهش: حجت الاسلام والمسلمین مسعود صدوق  
کارشناسان پژوهش: حجج اسلام؛ موسوی موشح، روح الله صدوق، علی رضا انجم شعاع،  
احمد زیبایی نژاد و محمدصادق حیدری  
انتشارات: معاونت برنامه  
نگارش: اول  
تاریخ نشر: ۱۳۸۶/۱/۲۵

معاونت پژوهش

## فهرست

۴	مقدمه .....	۴
۴	الف: مراحل اصولی شکل‌گیری الگوی تنظیم برنامه .....	۴
۵	ب: کارآمدی الگوی تنظیم برنامه .....	۵
۶	فصل اول: تبیین ۱۲ عنوان اصلی جدول در قالب مقاطع، مراحل و سطوح .....	۶
۶	۱. مقاطع .....	۶
۶	۱/۱. پیدایش، تغییرات و تکامل .....	۶
۷	۲. مراحل .....	۷
۷	۲/۱. بیرون، درون و ارتباط .....	۷
۷	۳. سطوح .....	۷
۷	۳/۱. موجود، مطلوب و انتقال .....	۷
۸	فصل دوم: تبیین ۲۷ عنوان درونی جدول الگوی تنظیم برنامه .....	۸
۸	۱. نظام فلسفی .....	۸
۸	۲. فلسفه تکامل .....	۸
۹	۳. الگوی ارزیابی .....	۹
۱۰	۴-۵-۶. نظام توصیف شرایط موجود، نظام توصیف شرایط مطلوب و نظام نیازمندی‌ها .....	۱۰
۱۱	۷. ضرورت .....	۱۱
۱۱	۸. هدف .....	۱۱
۱۲	۹. موضوع .....	۱۲
۱۲	۱۰. عوامل متغیر موضوع .....	۱۲
۱۲	۱۱. عوامل تغییر موضوع .....	۱۲
۱۳	۱۲. ضرائب کمی .....	۱۳
۱۳	۱۳-۱۴. روند تغییرات گذشته و آینده .....	۱۳
۱۳	۱۵. الگوی تخصیص .....	۱۳
۱۳	۱۶. استراتژی .....	۱۳
۱۳	۱۷. مراحل تغییر .....	۱۳
۱۴	۱۸. الگوی سازماندهی .....	۱۴
۱۴	۱۹. کلیات برنامه .....	۱۴
۱۴	۲۰. برنامه تفصیلی سازمان .....	۱۴
۱۵	۲۱. گردش عملیات سازمان .....	۱۵
۱۵	۲۲. مقدمات اجرایی برنامه .....	۱۵
۱۵	۲۳. مقدمات اجرایی سازمان .....	۱۵
۱۶	۲۴. سازماندهی اجرایی مقدمات .....	۱۶
۱۶	۲۵. کنترل قدرت عملکرد .....	۱۶
۱۶	۲۶. کنترل عملیات .....	۱۶
۱۶	۲۷. کنترل محصول .....	۱۶



## مقدمه

در این مقدمه به ویژگی‌های کلی «جدول الگوی تنظیم برنامه» یا همان الگوی شناخت روش برنامه اشاره می‌نمائیم.

طرح به منزله نقشه‌ای است که نیازمندی‌های انسان را با حداکثر بهره‌وری از امکانات، تامین می‌نماید. یک طرح یا پروژه ابتدا تولید و سپس تغییر و در نهایت تکمیل می‌شود. در این مبحث، روشی مطرح می‌شود که براساس آن، برنامه تنظیم یا تولید می‌گردد، این روش، همان نقشه یا الگوی تولید برنامه است.

الگوی تولید برنامه، به معنای الگوی شناسایی یا ابزار شناخت برنامه است. براساس این الگو، اندازه‌گیری‌های کمی و کیفی بدست آمده و وحدت موضوع برنامه، بعنوان یک فعل در فرآیند آن مورد تحلیل واقع می‌شود.

بنابراین به شناسایی برنامه از مرحله پیدایش تا تغییرات و تکامل، مدل یا الگوی تولید و تنظیم برنامه می‌گوئیم. در برنامه‌ریزی‌های رایج تنها به عناوین مرحله تکامل و تکمیل برنامه توجه شده و عناوین مرحله مقطع پیدایش و تغییرات مغفول‌عنه واقع شده است؛ اما اگر درصدد شناخت هماهنگی از برنامه باشیم، نمی‌توان مدل تولید برنامه را فارغ از پایه‌های فلسفی یا فلسفه تکامل و سایر عناوین مرحله پیدایش و تغییرات دانست.

اما مراحل اصولی شکل‌گیری الگوی تنظیم برنامه و میزان کارآمدی آن از قرار ذیل می‌باشد:

### الف: مراحل اصولی شکل‌گیری الگوی تنظیم برنامه

#### ۱. تعیین اوصاف فلسفی زیرساخت

در این مرحله اوصاف فلسفی برنامه شکل می‌گیرند. نتیجه این فعالیت بدست آمدن جدول زیر ساخت از ضرب اوصاف مقاطع، مراحل و سطوح در قالب ۹ عنوان اصلی است. این مرحله در فصل اول بیان شده است.

#### ۲. تعیین اصطلاح برای اوصاف

در این مرحله معنون‌ها از اوصاف فلسفی به دست آمده و ارتباط و انسجام داخلی الگو بیشتر نمایان می‌شود. نتیجه این مرحله بدست آوردن ۲۷ عنوان درونی الگوی تولید برنامه متناسب با ۹ عنوان اصلی و حاکم بر جدول می‌باشد. این مرحله در فصل دوم بیان شده است.

#### ۳. ترجمه اصطلاحات به ادبیات انتزاعی

#### ۴. مقید کردن اصطلاحات به موضوع خاص

مرحله سوم و چهارم نیز متناسب با موضوع برنامه دنبال می‌شود.

## ب: کارآمدی الگوی تنظیم برنامه

۱. الگوی برنامه معین کننده توان برنامه ریزی در طراحی
۲. الگوی برنامه معین کننده مکانیزم شناخت عملی اجتماعی
۳. الگوی برنامه معین کننده روند پژوهش (روند شناخت)
۴. الگوی برنامه گواه اجتماعی واقع شدن تولید شناخت
۵. امکان اداره سازمان مولد برنامه، با الگوی تولید برنامه



## فصل اول: تبیین ۱۲ عنوان اصلی جدول در قالب مقاطع، مراحل و سطوح

### ۱. مقاطع

مقاطع به معنای تبدیل شدن نوع فعالیت است. در این مرحله وصف افعال تحقیقاتی تغییر خواهد کرد. از این رو نوع فعالیت‌ها در یک مقطع با نوع فعالیت‌ها در مقطع دیگر، متفاوت است.

#### ۱/۱. پیدایش، تغییرات و تکامل

پیدایش و تغییرات و تکامل بعنوان مقاطع روند شناسایی یک موضوع یا مورد محسوب می‌شود. این عناوین هر چند که ابتدا سیری برای تکلیف در نظام فاعلیت یا مکانیزمی برای شناخت را بیان می‌کنند. اما این روند علاوه بر مکانیزم و ساختار شناخت، نسبت به مفاهیم و کیفیات غیر مفهومی از قبیل برنامه نیز وجود دارد. لذا این عناوین را مقید به وصف برنامه مورد تبیین قرار می‌دهیم.

پیدایش برنامه موضوعاً به معنای، پیدایش یک موضوع بسیط نیست؛ بلکه پیدایش موضوعی مرکب می‌باشد. موضوعی که خود نیازمند موضوعات متعدد دیگری است. و در نهایت آن موضوع به یک نظام موضوعات تبدیل می‌شود، لذا هر کدام از موضوعات این نظام در پیدایش آن پدیده و موضوع موثر بوده و مجموعاً به پیدایش یک برنامه منتهی می‌شوند.

تغییرات برنامه نیز دارای نظام موضوعاتی است که آن موضوعات، علت پیدایش تغییرات لازم در برنامه می‌شوند.

تکامل برنامه نیز دارای موضوعاتی است که موجب پیدایش تصرف عینی میشوند. در یک ارتباط زنجیره وار به تکامل برنامه نمیتوان دست یافت مگر در بستر تغییرات و هکذا تغییرات برنامه نیز تنها در بستر پیدایش برنامه روی میدهد.

بنابراین پیدایش ادراک از برنامه در بلوک پیدایش جدول و انتقال در برنامه ریزی در بلوک تغییرات و وسایل و ابزاری برای این انتقال در بلوک تکامل قرار می‌گیرند. لذا زمانی که در بخش تغییرات تناسب برنامه با عینیت مشخص شد، آنگاه تناسبات اجرایی یا شناخت اجرایی در بخش تکامل، معین میگردد. در مقطع تغییرات، برنامه ریزی فرضی و ذهنی با عینیت اصطکاک پیدا می‌کند و با آمدن اطلاعات دیگری در دستگاه برنامه از ذهنی بودن خارج و متناسب با عینیت می‌شود.

در تکامل هماهنگی بین بخشها نه هماهنگی درونی بین اعضاء ملاحظه میشود در مقطع تکامل طرح به تثبت رسیده و منزلت تولی و ولایت پیدا می‌کند.

تفاوت تغییرات با شرایط این است که در شرایط ارزیابی مکانی صورت می‌گیرد در حالی که در تغییرات ارزیابی زمانی انجام می‌شود.

این عناوین و اصطلاحاتی مترادف با آنها همین معانی را افاده می نمایند.

اصطلاحات مترادف با مقطع پیدایش:

ضرورت تاریخی، طرح کلیات، خاستگاه، مبادی، صغری، وصف طرح، پیدایش شناخت طرح.

اصطلاحات مترادف با مقطع تغییرات:

جریان ساختار، طرح تفصیلی، جایگاه، مبانی، کبری، شرایط، وصف متغیرهای اصلی طرح، تغییرات شناخت طرح.

اصطلاحات مترادف با مقطع تکامل:

ساختار جریان، طرح اجراء، پایگاه، نتایج، وصف تمام شدن طرح، تکامل شناخت طرح.

## ۲. مراحل

در این سطح موضوع فعالیت تغییر میکند. یعنی هر مرحله از بیرون و درون و ارتباط یک موضوع تغییر کرده اما نوع فعالیت همچنان ثابت است. در این سطح نیز اجزاء و اعضا درونی درونی متقوم به کل - نه به درون خودشان - هستند.

### ۲/۱. بیرون، درون و ارتباط

این سه اصطلاح به معنای آینده و گذشته و نظام موجودی که آن موضوع در آن قرار دارد میباشد. بیرون به معنای بیرون موضوع فعل و درون به معنای مفعول فعل یا همان موضوعی که فعل بر آن واقع می شود و ارتباط نیز به معنای کیفیت فعل یا کیفیت ارتباط است. در ارتباط تنها ربط دو چیز به یکدیگر بیان می شوند. ربطهای مکانی را به عنوان «ارتباط» و ترتیب و ربطهای زمانی را بعنوان «انتقال» در نظر میگیریم اما در هر صورت ارتباط ابتدا وصفی زمانی است.

## ۳. سطوح

در این سطح نیز مراتب همزمان یک موضوع تحقیقاتی بیان می شوند و در این سطح نیز موضوع تحقیقاتی که دارای ابعاد و فصولی است حفظ میشود.

### ۳/۱. موجود، مطلوب و انتقال

موجود و مطلوب و انتقال اموری ذهنی و انتزاعی نیستند، بلکه بعنوان یک جریان محسوب میشوند. در موجود موضوع شناسایی شده و هدف و کارآمدی آن بیان خواهد شد لذا نسبت موضوع به هدف در این مرحله مشخص میشود.

انتقال به معنای از جایی به جایی دیگر رفتن است. لذا ابتدا این عنوان ابتدا وصفی زمانی است. موضوع متغیر، دارای روندی است که به آن روند «برنامه انتقال» گفته می شود. بنابراین برنامه انتقال ابزار تصرف برای تغییر در وضعیت موجود است. از زاویه فلسفه تکامل، موجود به معنای درخواست و مطلوب به معنای تولی و انتقال به معنای نسبت بین اعطاء و طلب عبد می باشد.

## فصل دوم: تبیین ۲۷ عنوان درونی جدول الگوی تنظیم برنامه

### ۱. نظام فلسفی

به معنای ادراک از نظام توصیف و نظام نیازمندا (جایگاه توصیف) یا همان ارتباط نیاز به مطلوب است. اساساً اصولی‌ترین بنیان‌های نظام فلسفی، در مبحث تولید برنامه مطرح می‌شود.

این اصول فلسفی، پایگاه مفهوم نظام در مبحث نظام برنامه و شامل قرار می‌گیرند از قبیل وحدت و کثرت، زمان و مکان و اختیار و آگاهی می‌باشند. وحدت و کثرت مفهوم نظام را تعریف می‌نمایند. زمان و مکان منزلت‌ها و تغییرات نظام – که همان تکامل است – تبیین کرده و اختیار و آگاهی نیز نسبتی که در توزیع اختیارات و شناسایی مقدورات وجود دارد تعریف می‌نمایند.

بنابراین نظام فلسفی با برنامه ارتباط دارد حال چه برای تولید اصل برنامه و چه برای تولید تغییراتی که برنامه متکفل آن است. لذا ربط برنامه با نظام فلسفی از نوع ربط تعاریف است. پس ریشه‌ای‌ترین تعاریف در تولید برنامه، تعاریف نظام فلسفی است.

در همه علوم و از جمله علم برنامه ریزی حدّ اولیه‌ای وجود دارد که این حد اولیه همان حد نظام فلسفی است این حد نظام فلسفی به تعاریف فلسفی باز می‌گردد. لذا نام این قسمت را نیز میتوان تعاریف یا اصول موضوعه گذاشت و از این جهت اصول موضوعه در مدل‌سازی همان تعاریف فلسفی است.

اصول موضوعه ای که در نظام فلسفی بیان می‌شود لزوماً بیانگر تمامی فلسفه نظام ولایت نیست بلکه بعنوان محصولات و نتایجی است که از فلسفه نظام ولایت در مبحث برنامه ریزی برگرفته شده است اصولی که این اصول موضوعه، پایه‌های نظام تعریف را مشخص می‌نماید.

پایه‌های فلسفی در واقع پایه‌های گرایشی مکانیزم شناخت هستند. و از این رو جهت داری شناخت اجتماعی از این قسمت آغاز می‌شود. یعنی در نظام فلسفی ظرفیت شناسایی و گرایش اعتقادی معین می‌گردد بنابراین حساسیت‌های فاعل یا فاعل‌هایی که در صدد شناسایی هستند بوسیله کیفیت نظام فلسفی بیان می‌شود.

### ۲. فلسفه تکامل

فلسفه تکامل برآمده از تعریف تکامل بر مبنای حدود اولیه نظام فلسفی است. وحدت و کثرت، زمان و مکان و اختیار و آگاهی اصول موضوعه ای هستند که در تعریف تکامل حضور دارند یعنی براساس آنها فلسفه تکامل تعریف شده و در واقع فلسفه تکامل به منزله حضور درونی نظام فلسفی است.

براساس فلسفه نظام ولایت کمال به معنای تقرب است ولایت و تولی و تصرف اصولی هستند که تکامل را در کل عالم تعریف مینمایند. البته تکامل کل، مفهوم خوبی و بدی را در نسبتها معین میکند. لذا تعریف تکامل و شاخصه‌های آن بیان‌کننده وضعیت ولایت، تولی و تصرفی است که مجموعاً تقرب و کمال را نتیجه میدهند، که البته خود تقرب را به معنای حالت و ابتهاج قرب یا خلافت و ولایت و اداره مادون میتوان تعریف کرد. در فلسفه تکامل باید فلسفه طلب جامعه و فرد در موضوع شناخت شناسی بیان شود. یعنی فلسفه تکامل باید موضوع

البته در مبحث برنامه‌ریزی لازم نیست این تعریف از پیدایش تکامل و ذکر علل آن به شکل منطقی باشد.

آنچه موضوع بحث فلسفه تکامل واقع می‌شود روند تکامل اجتماعی جامعه است و اساس آن درگیری با کلمه کفر می‌باشد، این مطلب هم براساس شرع و هم از نظر فلسفه نظام ولایت امری تمام شده است.

شاخصه‌های فلسفه تکامل عبارتند از شدت تمایلات، توسعه روابط و گسترش تاثیر است. که این سه اصطلاح زیرساخت عناوین شاخصه‌های الگوی ارزیابی می‌باشند. (یا سرعت رفتار سیاسی، دقت در رفتار فرهنگی و انضباط در رفتار اقتصادی).

### ۳. الگوی ارزیابی

در فلسفه تکامل از وجود یک چیز و در الگوی ارزیابی از آثار و نمود آن بحث می‌شود. به عبارت دیگر ملاحظه کل در بستر تکامل در مبحث فلسفه تکامل و ملاحظه تاثیر تکامل در وضعیت در مبحث الگوی ارزیابی مورد بحث واقع می‌شود. از این رو الگوی ارزیابی نتیجه فلسفه تکامل است.

بنابراین پس آنکه نظام فلسفی و فلسفه تکامل معین گردید آنگاه تناسبات تقرب یا کمال را می‌توان ارزیابی کرد. شاخصه‌های الگوی ارزیابی باید بگونه‌ای باشند که قدرت ارزیابی نسبت به وضعیت تمایلات و ارتکازات و فعالیت‌ها را در رابطه با ولایت آن هم در سطوح مختلف دارا باشند. شایان ذکر است که تمایلات مساوی با سیاست ارتکازات نیز به معنای فرهنگ و تاثیر مادی نیز مساوی با اقتصاد است.

خصوصیت الگوی ارزیابی هر چند برآمده از فلسفه تکامل است، اما خاستگاه آن روشی و در واقع بیان‌کننده مفهومی ابزاری است. الگوی ارزیابی از انگیزه ارزیابی‌کننده و ارزیابی‌شونده جهت می‌پذیرد در این جهت-گیری، دل‌شيفتگی و دل‌باختگی اثر دارد، به عبارت دیگر الگوی ارزیابی درصدد تغییر تمایلات و انگیزه‌ها است تغییری که از انگیزه‌ای برآمده است که آن آن انگیزه محور جهت دهنده به الگوی ارزیابی تکامل می‌باشد.

براساس فلسفه تکامل برای کمال معنایی متناسب با معبود و معشوقش ارائه می‌شود و سپس براساس این گونه معنا، الگو نیز جهت‌دهی می‌شود.

بنابراین برای فلسفه تکامل \_ بر پایه حدود اولیه \_ تعریفی را از کمال ارائه نموده که شخص ارزیاب باید آن کمال را در الگوی ارزیابی خود بعنوان محور قرار دهد.

به هر حال براساس فلسفه تکامل \_ که از پایه‌های فلسفی به وجود آمده است \_ اصول ارزشیابی تعریف می‌شوند.

اما تفاوت میان الگوی ارزیابی با الگوی تخصیص این است که الگوی ارزیابی به معنای ابزار شناخت چیزهایی که موجود هست می‌باشد در حالی که الگوی تخصیص ابزار مخصوص نمودن امور است.

الگوی ارزیابی هر چند همانند یک قاعده عمل می‌کند اما در موضوع پیدایش شناسایی، همانند پیش‌فرض‌ها، امری بیرونی است یعنی از قبیل علم منطقی می‌باشد. در تقریر این مطلب اگر نظام فلسفی را همانند فلسفه منطقی و فلسفه تکامل را به منزله استدلالها در نظر بگیریم، آنگاه الگوی ارزیابی به منزله خود منطقی می‌باشد و از این رو منطقی‌سازی در محصول‌سازی امری بیرونی است. الگوی ارزیابی در عین حال قطعاً ابزار انتقال نیز می‌باشد. زیرا

همانند منطق وسیله استنتاج - وسیله انتقال یک مفهوم به مفهوم دیگر - می‌باشد.

#### ۴-۵-۶. نظام توصیف شرایط موجود، نظام توصیف شرایط مطلوب و نظام نیازمندی‌ها

در صورت داشتن نظام فلسفی، فلسفه تکامل و الگوی ارزیابی می‌توان نظام توصیف شرایط موجود، نظام توصیف شرایط مطلوب و نظام نیازمندی‌های بین موجود و مطلوب را تعریف و سپس ارزیابی کرد. به عبارت دیگر زمانی که یک نظام توصیفی داشته باشیم، آنگاه شرایط موجود را می‌توان ملاحظه کرده و سپس نسبت به کل جامعه منزلت تکاملی و مطلوب آن شرایط را شناسایی و تبیین نمود. مثلاً چگونگی جریان شرایط موجود را در قالب تمایلات در سطوح خرد و کلان و توسعه تبیین می‌شود.

اما مهم این است که ما وضعیت خرد و کلان و توسعه را در شرایط موجود و مطلوب و نیازمندی‌ها و آن هم در ارتباط با جهت تکامل ملاحظه نمائیم، لذا در کل این سه عنوان از نظر جهت، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. یعنی همان وضعیت خرد و کلان و توسعه را نسبت به جهت مطلوب و نیازمندی‌ها ملاحظه می‌شوند.

نتیجه چنین دقتی تبیین ضرورت پس از نظام نیازمندی‌ها در ستون بعدی جدول می‌باشد. از این رو این نظام نیازمندی‌ها در واقع نظام ضرورت‌ها را شکل ارائه می‌نمایند.

در اینجا شایسته است معنای توسعه کلان و خرد نیز مورد توجه قرار گیرد. اما توسعه به معنای گذشتن از نسبت و رسیدن به جهت است یعنی تناسب نسبت‌ها به ارتقاء جهت و خرد به معنای کارآمدی و ملاحظه اثر خود موضوع و کلان نیز به معنای نسبت تاثیر یک موضوع بر موضوع دیگر می‌باشد.

از نسبت میان شرایط مطلوب و موجود دو مطلب استحصال می‌شود. یکی اولویت‌بندی در نظام نیازمندی‌ها است که از آن، ضرورت به دست می‌آید. و دیگری نیازمندی رسیدن به مقاصد، آن هم به میزان قدرتی که در ضرورت بیان شده است. لذا اینکه در بحث اهداف برنامه گفته می‌شود در هدف مرحله اول، عناوین خرد و در اهداف مرحله دوم عناوین کلان و در هدف مرحله سوم محورهای برنامه تغییر می‌کنند همگی این مطالب به همین نظام نیازمندی‌ها منتهی می‌شوند. پس بطور کلی اهداف برنامه، مثبت شده نظام نیازمندی‌هاست و نظام نیازمندی‌ها نیز سلبی آن اهداف برنامه‌ای است. اهداف برنامه نیز مانند الگوی ارزیابی دارای خاستگاهی روشی و در واقع بیان‌کننده ابزاری مفهومی در بحث برنامه است..

بنابراین نظام توصیف شرایط موجود بیانگر سطح حساسیت، تفکر و عمل نسبت به جهت‌گیری توسعه است و نظام توصیف شرایط مطلوب نیز بیانگر ارتقاء حساسیت، تفکر و عمل در سطح جهت‌گیری توسعه می‌باشد.

نظام توصیف شرایط برخلاف توصیف این گونه است که براساس آن ابزار و اصول توصیف ارائه می‌شود.

اما شناخت نیازها چگونه صورت می‌گیرد، ابتداً نظام وصف‌ها طبقه‌بندی می‌شوند و براساس طبقه‌بندی نظام وصفی‌های فلسفی و منطقی، نیازمندی‌ها نیز طبقه‌بندی می‌شوند سپس نسبت نیازمندی‌ها به یکدیگر مورد سنجش قرار گرفته تا در ادامه نظام نیازمندی‌ها آن به دست آید.

نظام نیازمندی‌ها باید تعیین اولویت را در هدف‌گذاری‌ها معین کند. پس آنکه اولویت در اهداف، مشخص شد، آنگاه مجدداً باید معین شود که نظام توصیف شرایط مطلوب چه چیزی است تا بتوان براساس آن وضعیت دوم را ترسیم کرد. در نظام توصیف شرایط مطلوب خلاء و نیاز موجود اشباع قرار داشته و اوصافی که در این قسمت اضافه می‌شوند، اوصاف مطلوب می‌باشند.

## ۷. ضرورت

ضرورت یک شی یا موضوع زمانی مطرح می‌شود که ارتباط آن شی به بیرون خود، متناسب با کارآمدی مورد انتظار از آن شی نباشد، یعنی یک کارآمدی لازم و به عبارت دیگر انتظاراتی وجود دارد و آنچه که موجود است پاسخگوی آن انتظارات و دغدغه‌ها نیست پس در اینجا ضرورتی اثبات می‌شود. اما این انتظار به عنوان یک مجموعه در بیرون یا درون شی قرار دارد. و عدم کارآمدی مورد انتظار در ارتباط با بیرون و درون، شی مبین ضرورت می‌باشد البته این عدم کارآمدی و کمبودها به معنای عام آن تعریف می‌شوند. پس ضرورت به معنای نیازمندی مشخص شده بین موجود و مطلوب است.

ضرورت می‌تواند ضرورت پیدایش یک فعل و یا یک موضوع و یا یک هدف در جامعه باشد.

در این مبحث ضرورت به معنای اصل شناخت هدف می‌باشد. در تقریر این مطلب اینکه ما در ابتدا نسبتب به کمبودهایی در جامعه یقین داریم و نسبت به آنها سلبی و نفی‌ای برخورد می‌کنیم با این وصف بحث از ضرورت مقدم بر بحث هدف بوده و تعریف آن نیز سلبی میشود.. لذا قبل از هر اقدامی ضروری است که نیازها را طبقه‌بندی کنیم تا ببینیم به کدام یک از نیازها باید پرداخته شود. این معنای از ضرورت قطعاً بر مطلوب خاص تقدم داشته و بیان کننده لذا تنها تکامل به معنای عام است. تکامل عام نیز به معنای میل به تکامل آن هم بدون شناخت کمال مشخص است.

بنابراین ضرورت موضوعاً به معنای خلاء و نیاز بوده و در این نیاز و خلاء تکامل عام اصل می‌باشد. تکامل به معنای اخص نیز به معنای هدف است و در مقابل تکامل به معنای اعم به معنای پذیرفتن وضع موجود می‌باشد.

حال که معنای ضرورت، ضرورت رسیدن به هدف است در این صورت، این ضرورت متاخر از عنوان هدف قرار می‌گیرد، اما اگر ضرورت به معنای خلاء و گم‌شده باشد، مقدم بر هدف می‌باشد. بنابراین منظور از ضرورت در بحث برنامه، ضرورت شناخت هدف است، ضرورتی که موضوع آن شناخت هدف است.

از زاویه‌ای دیگر ضرورت، به معنای نسبت میان نظام توصیف (نظام فلسفی) و نظام نیازمندی‌ها است. اما تعیین ضرورت اولویت همان چیزی است که ضرورت برنامه را معین می‌کند. طبعاً در همین قسمت باید بتوانیم هدف مطلوب خود را، معین نمائیم. از این رو تعیین افعال ضروری یا همان ضرورت‌های اجرایی در نوع ضرورت معین می‌شود. پس ضرورت در این قسمت به معنای این است که چه چیزی در نیازمندی‌ها اولیت دارد.

## ۸. هدف

آنچه که در مورد معنا و مفهوم ضرورت گفته شد همان مطالب بصورت ایجابی معنا شده و بعنوان معنا و مفهوم هدف محسوب می‌شوند. یعنی هدف همان تعریف اثباتی یا مثبت شده ضرورت می‌باشد. پس هدف بیانگر هدف نیازمندی نه هدف موضوع است و در ادامه از نسبت میان هدف و ضرورت، موضوع متولد می‌شود.

هدف در مدل برنامه بیانگر تغییر عینی متغیرهای موضوع در جریان توسعه می‌باشد. شاخصه‌های هدف‌گذاری عینی نیز در نسبت بین شرایط مطلوب و قدرت تغییر، معین می‌شود.

بنابراین از نسبت میان متغیرها - که در ضرورت گفته شد - و شاخصه‌های مطلوب، هدف‌گذاری عینی مطلوب به دست می‌آید یعنی از نسبت میان متغیرها به مطلوب‌ها، اهداف معین می‌شوند. و این مهم پس از تعیین فلسفه تکامل و شرایط مطلوب امکان پذیر است. به عبارت دقیقتر هرگاه ضرورت تعیین شود و نظام نیازمندی‌ها نیز

تعریف گردد، آنگاه نسبت میان ضرورت و نظام توصیف شرایط مطلوب هدف را ارائه داده و خصوصیات آن را مشخص می‌نماید. شاخصه‌های اهداف نیز عناوین اسلامی، الحادی و التقاطی است.

اصولاً هدف کاربردی نباید بصورت انتزاعی تعریف شود، بلکه باید متناسب با کمال تعریف شده، وضعیت موجود را تغییر داده و وضعیت دوم را تعریف نماید، تا در نهایت هدف کاربردی مشخص شود. تقسیم هدف به خرد و کلان و توسعه نیز هر چند بیانگر تقسیماتی جهت‌ی و مطلوب محسوب میشوند اما تنها تصویری انتزاعی از اهداف را ارائه می‌دهند.

هدف برنامه نیز باید تغییر روابط، ساختارها و موضوعات را ارائه نماید البته مادامی که طرح، طرحی جامع باشد.

## ۹. موضوع

حال که ضرورت، ضرورت تغییر وضعیت موجود است و هدف نیز تبدیل شدن این موجود به وضعیت دوم و مربوط به موضوع است اکنون ضرورت ناظر بر عنوانی است که به آن موضوع گفته می‌شود.

اکنون میان این مثبت و منفی یا سلب و ایجاب (یا ضرورت و هدف) تعریف فعل و موضوع به دست می‌آید. به عبارت خیلی ساده آنچه میان «نداریم» و «می‌خواهیم» معین می‌شود، نسبتی در حال تغییر بنام موضوع است. لذا در صدد آن این موضوع این تغییرات را داشته باشد تا از نداری به دارایی برسیم.

موضوع آن چیزی است که هم ضرورت و هم هدف ناظر بر آن، هستند موضوع آن چیزی است که با تغییر آن، مطلوب حاصل می‌شود. موضوع کمبودی در مجموعه‌ای است که این مجموعه در حال تغییر بوده و در نهایت به مطلوب نائل می‌شود. موضوع جامع اوصافی است که در هدف به آن اشاره شده است و نسبت بین آن اوصاف ایجاب و سلب وضعیت موجود است. موضوع می‌تواند موجود نباشد، بلکه به لحاظ وجود فعلی آن باید ملاحظه شود و کارآمدی آن در وضعیت فعلی به گونه‌ای باشد تا بتوانیم کارایی‌های آن را در آینده، مورد تصرف قرار دهیم؛ لذا موضوع باید دارای تغییراتی باشد تا به هدفی که از تغییراتی موضوع وجود دارد، منتهی شود و در نهایت کارآمدی موضوع نیز به وضعیت دوم منتقل گردد.

موضوع می‌تواند برآیندی از چندین موضوع باشد که هم خود و هم هدف و هم ضرورت را تعریف نماید. شاخصه‌های موضوع نیز شکل گرفته و شکل‌پذیر و تکوین اولیه است.

## ۱۰. عوامل متغیر موضوع

منظور از عوامل، متغیرهای تشکیل دهنده یک شی می‌باشند. این عوامل کیفی بوده و در واقع بیان‌کننده وضعیت روانی و ذهنی و عینی یا همان انگیزه، اندیشه و انجام می‌باشند. که به آنها عوامل داخلی فعل نیز گفته می‌شود. در واقع برای فعل موضوعاً سه شاخصه در قالب وضعیت روحی، ذهنی و عینی در نظر گرفته می‌شود تا یک فعل صادر شود و این شاخصه‌ها همان متغیرهای داخلی هستند.

## ۱۱. عوامل تغییر موضوع

مراد از این عنوان متغیرهای موضوع نیست. بلکه این عوامل تعیین‌کننده ابزارهای تغییر آن فعل با توجه به شرایط حاکم است. این عوامل به عبارتی دیگر همان رابطه میان سیاست، فرهنگ و اقتصاد داخل با خارج است.

## ۱۲. ضرائب کمی

ضرائب به معنای نسبت‌های موجود کمی شده بین اوصاف است. این ضرائب کمی به اضافه الگوی تخصیص باید بصورت عینی کلیات برنامه را ارائه دهند. در ضرائب کمی سطح فعالیت‌ها تبدیل می‌شود. اصولاً ضرائب کمی هم در الگوی تخصیص و هم در الگوی سازماندهی وجود دارند، نهایت در الگوی تخصیص ناظر به افراد و در سازماندهی ناظر به فعالیت افراد در خود سازمان می‌باشند.

## ۱۳- ۱۴. روند تغییرات گذشته و آینده

روند تغییرات گذشته، بیان‌کننده تغییرات فعلی موضوع است. و روند آینده نیز به معنای نیازمندی‌های آینده می‌باشد. اساساً در مرحله‌بندی برای تغییر باید علاوه بر ملاحظه شرایط موجود و مطلوب و انتقال، ضرورت و موضوع و هدف، سیر زمانی گذشته تا حال و از حال به آینده نیز ملاحظه شود، برآورد آینده و گذشته تنها نسبت به بیرون و درون شی ملاحظه نمی‌شود بلکه در قالب سیر زمانی مورد دقت قرار می‌گیرد. البته این مرحله‌بندی گذشته - آینده تاریخی است.

## ۱۵. الگوی تخصیص

در الگوی تخصیص فعالیت‌ها اولویت‌بندی می‌شوند. الگوی تخصیص به معنای چگونگی تقسیم امکانات و افرادی که برای انجام یک کار در اختیار داریم، است. الگوی تخصیص در واقع ابزار تنظیم برنامه فعالیت را بعهده دارد. البته در الگوی تخصیص قواعد تخصیص برنامه بیان می‌شود نه خود تخصیص. قواعد تخصیص در سرفصل‌های برنامه اثر می‌گذارد و اینگونه نیست که با آن تناسب نداشته باشد؛ اما سرفصل هرگز به معنای قواعد تخصیص نیست، بلکه سرفصل دسته‌بندی‌های کلی تخصیص دادن را معین می‌نماید.

بنابراین در الگوی تخصیص کیفیت تخصیص جامعه و تغییر آن مشخص می‌شود.

## ۱۶. استراتژی

به معنای کنترل‌کننده تغییر مطلوبیت‌ها است. یعنی تغییراتی که در برنامه صورت می‌گیرد باید خط هماهنگ کننده و استراتژی آن مشخص شود و این خطوط ناظر بر عملیات برنامه است در حقیقت استراتژی ابزاری است که سیر انتقالی را هماهنگ می‌نماید.

بنابراین استراتژی معین‌کننده محور هماهنگی فعالیت‌ها و سیاست‌ها است که در عین تغییر دائمی موضوع تا انتها، برنامه باید وجود داشته باشد. هر تحقیقی شامل انگیزه تحقیق، زمینه تحقیق و روش تحقیق است که برای هماهنگ‌سازی باید هر سه اینها حول محور هماهنگ کننده یا استراتژی باشند تا هماهنگی عمومی صورت گیرد و گمانه‌های هماهنگ تولید شوند و در نهایت نیز پاسخ نیازمندی‌های واقعی ارائه شود.

## ۱۷. مراحل تغییر

مراحل تغییر به معنای تغییراتی که نسبت به منتقل شونده صورت می‌گیرد است. نه نسبت به شرایط یعنی مرحله‌بندی تغییراتی که نسبت به موضوع مورد تصرف اعمال می‌شود.

البته این مرحله‌بندی دارای نظامی منطقی می‌باشد برخلاف مرحله‌بندی در دو قسمت قبل. لذا به مراحل تغییر - که حاصل روند گذشته و آینده است - مراحل تغییر عینی نه ذهنی گفته می‌شود.



بنابراین مراحل تغییر در واقع بیان‌کننده مراحل اصولی تولید و اجرای طرح می‌باشد. در این مرحله پس از آنکه برای تغییر فعل به آن فعلی که توانایی پاسخ‌دهی به نیازمندی‌ها مناسب با شرایط را داشته باشد، این فعل مورد مرحله‌بندی قرار می‌گیرد. از این رو اختلاف بین موجود و مطلوب و مقدورات نسبت به آینده و مشکلات در تغییر مورد تصمیم واقع می‌شود.

تشخیص مراحل باید به گونه‌ای باشد که روند آینده ملاحظه شود. تعیین مراحل از نسبت میان مقدورات حاصل از روند گذشته و مشکلات حاصل از روند آینده به دست می‌آید و این تعیین مراحل به شکل کیفی انجام می‌شود پس مراحل تغییر در واقع مراحل تغییر تاریخی می‌باشند.

### ۱۸. الگوی سازماندهی

این نوع الگو باید در کنار الگوی تخصیص قرار گیرد زیرا در آن تکلیف برنامه معین می‌شود. وظایف و اختیارات موضوعاتی هستند که از الگوی سازماندهی و مقدورات به دست می‌آیند. الگوی سازماندهی بیانگر شبکه‌ای یا تجزیه‌ای بودن سازماندهی فعالیت‌ها است. در حقیقت الگو سازماندهی، گرینش یک الگو و تعیین یک الگوی سازماندهی خاص است. پس در الگوی سازماندهی فعالیت‌ها به سطوح و موضوعات تقسیم شده تا معین شود که چه کارهایی و چه دسته‌بندی باید انجام شود و در چه سطوحی اینها را می‌توان با یکدیگر هماهنگ و یکپارچه کرد. براساس الگوی سازماندهی، آئین نامه گردش عملیات نوشته و تنظیم می‌شود، یعنی بر اساس آن حدود وظایف و اختیارات و محور کنترل آنها معین می‌شود.

آئین نامه گردش عملیات نیز ابزاری کنترلی است. اولین مزیتی الگوی شبکه‌ای این است که در این الگو براساس سلب اختیارات تقسیم موضوع صورت می‌گیرد. بلکه تقسیم اختیارات اصل در تقسیم موضوع و دسته بندیها است. در مدیریت شبکه‌ای هماهنگ‌سازی فعالیت‌ها از طریق ارائه اطلاعات و ایجاد زمینه برای توسعه فعالیت واحدهای مستقل صورت می‌گیرد.

بنابراین در الگوی سازماندهی، کیفیت تخصیص سازمانی و نحوه تغییرات سازمان معین می‌شود.

### ۱۹. کلیات برنامه

کلیات برنامه، شامل اهداف مرحله‌ای، سیاست‌های مرحله‌ای و سرفصل‌های برنامه است.

### ۲۰. برنامه تفصیلی سازمان

برنامه به معنای ابزار انتقال است. برنامه فعالیت سازمان مناسب با الگوی سازماندهی است. اگر مقدورات انسانی، امکانی و ارتباطی در یک الگوی تخصیص آرایش داده شوند، آنگاه عنوان سازمان را می‌توان به آن منسوب کرد. به عبارت دیگر زمانی که مقدورات برنامه با قواعد تخصیص تنظیم می‌شوند، آنگاه برنامه فعالیت سازمان شکل می‌گیرد.

این فعالیت به کل سازمان باز می‌گردد، نه به افعال درونی سازمان، لذا به معنای گردش عملیات سازمان نیست چرا که سازمان بر روی خودش می‌خواهد اثر بگذارد تا موضوع ایجاد شود. در هر صورت برنامه فعالیت سازمان بیانگر موضوع، زوش و زمینه فعالیت‌ها است.

لذا برنامه به معنای برنامه انتقال و تغییرات موضوع از وضع فعلی به وضع مطلوب است.

## ۲۱. گردش عملیات سازمان

به معنای انجام کارها و اطاعتها از طریق وظایف و اختیارات معین شده است، البته خود همین وظایف و اختیارات مشخص شده نیز از طریق نسبت بین مقدورات یک سازمان (که همان امکانات مالی و نیروی انسانی است) و نقشه‌ای که وجود دارد (الگوی تخصیص) مشخص می‌شود.

پس در این قسمت نیز باید هم برنامه انجام شود و هم عملکرد و وظایف و اختیارات توزیع شده را در چنین گردش‌ی نشان دهد. لذا گردش عملیات سازمان به معنای آئین نامه گردش عملیات ارزیابی سازماندهی سازمان است. پس در این قسمت تکلیف افراد داخلی نسبت به فرماندهی و فرمانبری و تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و اجرا مشخص می‌شود.

## ۲۲. مقدورات اجرایی برنامه

مقدورات برنامه غیر از مقدورات سازمان است. موضوع تصرف در مقدورات برنامه، محصولات قابل ارائه به غیر سازمان است، ولی محصول موضوع قدرت در مقدورات سازمان، خود تحرک سازمان است و نه ارائه محصول به غیر (به تعبیر دیگر توان ارائه داشته می‌باشد نه خود ارائه).

پس مقدورات برنامه به مقدورات اجرایی برنامه فعالیت تحقیقات تعریف می‌شود.

خود مقدورات اجرایی دارای ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی هستند و تعیین کردن آنها نیازمند قدرت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است.

در مقذور برنامه اصل قدرت مربوط به برنامه است، هر چند متقوم به سازمان و گذشته و آینده و شرایط و حتی به نظام فلسفی است.

مقدورات اجرایی برنامه آن چیزی که مستقیماً مفعول فعل واقع می‌شود و نه سازمانی که به وسیله سازمان آن فعل را انجام می‌شود، زیرا سازمان، سازمان فعالیت برای اجرای برنامه تحقیقاتی است و این مقدورات، مقدورات برنامه تحقیقاتی - نه مقذور سازمان - می‌باشد.

این مقدورات شامل مقدورات انسانی و امکانات مالی است. امکانات مالی در دورن خود به اعتبارات (پول) و امکاناتی تقسیم می‌شود که این امکانات جزء اعتبارات جاری نیست مانند ساختمان کتابخانه، کامپیوتر، لوازم التحریر و... این موارد جزء سرمایه ثابت محسوب می‌شوند. به مقدورات برنامه بودجه عمرانی نیز گفته می‌شود.

خلاصه اینکه یک معنای از مقدورات در این قسمت مقدورات برنامه ریز و برنامه‌ریزی است که در الگو یا مدل برنامه باید همگی آنها معین باشند و یک مقدورات دیگری نیز داریم به نام مقذور فعل که باید نسبت به موضوع خاص برای رسیدن به هدف خاصی ملاحظه شوند.

## ۲۳. مقدورات اجرایی سازمان

در این قسمت بحث نظام وظایف و اختیارات مطرح شده و در آن مقدورات الگوی سازمان معین می‌شود. به مقدورات سازمان بودجه جاری نیز گفته می‌شود.

## ۲۴. سازماندهی اجرایی مقدمات

در این قسمت برنامه فعالیت سازمان یا گردش عملیات آن بیان می‌شود. لذا این قسمت علاوه بر اینکه سازمان معنا می‌شود، نوع سازماندهی را هم بصورت کلی معین می‌گردد. همچنانکه در مقدمات سازمان نیز این امر وجود دارد. پس سازماندهی سازمان بیانگر نظام وظایف و اختیارات است.

## ۲۵. کنترل قدرت عملکرد

کنترل قدرت عملکرد از میان دو مقدر قبلی معین می‌شود. سازمان و اختیارات نیز باید مقدار کنترل عملیات را ارائه دهند.

## ۲۶. کنترل عملیات

در این مرحله کار نظارتی و آن هم توسط آئین نامه صورت می‌گیرد.

## ۲۷. کنترل محصول

در این قسمت هم گردش عملیات و هم کنترل عملیات آن لحاظ می‌شود.





تولید مبنای نظری برنامه‌های توسعه اسلامی

## اصول تئوریک جامعه‌شناختی مدل برنامه

(تبیین واژه‌های کلیدی تنظیم زیر ساخت نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه)

نقد و نقض مبنای نظری و مستندات برنامه توسعه چهارم

### مندرجات گزارش:

۱. توصیف جدول طبقه‌بندی موضوعات جامعه
۲. تبیین و توضیح اوصاف مبنا، موضوع و مقیاس به عنوان ارکان شناسایی جامعه

## حسینیه اندیشه

محتوا

مدت پژوهش: روز

۱۳۸۵/

تاریخ شروع:

۱۳۸۵/

تاریخ پایان:

گزارش شماره هجده



## ← اصول تئوریک جامعه‌شناختی مدل برنامه

سرپرست پژوهش: حجت‌الاسلام والمسلمین مسعود صدوق  
کارشناسان پژوهش: حجج اسلام؛ موسوی موشح، روح‌الله صدوق، علی‌رضا انجم‌شعاع،  
احمد زیبایی‌نژاد و محمدصادق حیدری  
انتشارات: معاونت برنامه  
نگارش: اول  
تاریخ نشر: ۱۳۸۶/۱/۲۷

معاونت پژوهش

## فهرست

مقدمه.....	۴
۱- توصیف جدول طبقه‌بندی موضوعات جامعه.....	۴
۱-۱. تعریف اوصاف تنظیم نظام (ارکان، اصول و اساس).....	۴
۱-۲. رابطه میان توسعه، ساختار توسعه، کارآیی با ارکان، اصول و اساس.....	۶
توسعه توسعه، ساختار توسعه، کارآیی توسعه.....	۶
توسعه ساختار، ساختار ساختار، کارآیی ساختار.....	۷
توسعه کارآیی، ساختار کارآیی و کارآیی کارآیی.....	۷
۲. تبیین و توضیح اوصاف مبنا، موضوع و مقیاس بعنوان ارکان شناسایی جامعه.....	۸
۲-۱. اوصاف مبنا.....	۹
۲-۱-۱. گرایش اجتماعی.....	۹
۲-۱-۲. بینش اجتماعی.....	۹
۲-۱-۳. دانش اجتماعی.....	۱۰
۲-۲. اوصاف موضوع.....	۱۱
۲-۲-۱. توسعه.....	۱۲
۲-۲-۲. کلان.....	۱۲
۲-۲-۳. خرد.....	۱۳
۲-۳. اوصاف مقیاس.....	۱۴
۲-۳-۱. مقیاس جهانی.....	۱۴
۲-۳-۲. مقیاس بین‌المللی.....	۱۴
۲-۳-۳. مقیاس ملی.....	۱۴





به دنبال ضرورت حضور آکادمیک در مسئله مدیریت توسعه نظام و گریز از هر گونه موضع گیری موردی و بریده از سایر امور در ابتدا باید بتوانیم موضوعات کلیدی جامعه را طبقه بندی کرده و رابطه بین مفاهیم را مشخص نماییم. در این جزوه مروری اجمالی بر واژه‌ها و اصطلاحات مندرج در جدولی تحت عنوان واژه‌های کلیدی تنظیم زیرساخت نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه خواهیم داشت.

شایان ذکر است این جدول نسبت به فعالیت‌های اجرایی و عینی جامعه یک طرح زیربنایی است اما در ارتباط با مباحث فلسفی نظام فکری و مدل یک طرح رو بنایی است که بر اساس نظام تعریف پایه‌ریزی شده است.

#### ۱- توصیف جدول طبقه بندی موضوعات جامعه

اصولاً در بحث مدل پیش از آنکه بگوییم چه اموری در تولید اطلاعات اصل می باشد، باید ابتدا دیدگاه خود را در مورد زمان و متغیرهای اصلی آن و مکان و ترکیبات و منزلت آن و همچنین از کارآمدی که نسبتی میان زمان و مکان است - و به عنوان مرحله تکامل و تأثیر منزلت‌های متوجه به شمار می آید - تعریفی صحیح ارائه نماییم.

هر موجود زنده دارای متغیراتی زمان ساز است به گونه ای که با تغییر نسبت‌های آن باید شی را به تغییراتش تعریف نمود. همچنین هر موجود دارای سطوحی است. حال آنچه که زمان را تغییر می دهد «ارکان» نام دارد پس ارکان چیزی نیست جز اموری که زمان آن را می سازد. و آنچه که منزلت سطوح یعنی ترکیبات - را تغییر می دهد «اصول» و بالاخره آنچه که کارآمدی شی را در خارج از خود قابل مطالعه می کند «اساس» نامیده می شود.

اکنون زمانی که بتوانیم ارکان، اصول و اساس شاخصه‌های یک موضوع را بشناسیم آنگاه همان شاخصه‌های اساسی به ما اجازه می دهد که دسته بندی‌های کلان و بزرگ را مشخص کنیم چون کار شاخصه‌های مزبور در همین امر خلاصه می شود. با ایجاد دسته بندی‌های بزرگ توسط این شاخصه‌ها می توان با تنظیم نظام سوالات به گرفتن گزارش‌های آماری بر اساس همان دسته بندی‌ها و شاخصه‌های اساسی مبادرت نمود. با به دست آوردن نمونه‌ها، نسبت این شاخصه‌ها به یکدیگر مشخص می کند که آیا موجود ما در حال رشد است یا رکود یا بحران؟ لذا از همین طریق است که ابزار کنترل مورد نیاز ما ساخته می شود. اینک به توضیح ارکان، اصول و اساس می پردازیم.

#### ۱-۱. تعریف اوصاف تنظیم نظام (ارکان، اصول و اساس)

ارکان هر نظام عبارت است از متغیرهای اصلی در تنظیم و عملکرد آن نظام، که برنامه می باشد. ارکان هر نظام مربوط به اموری است که زمان نظام را تعیین می کند به تعبیر بهتر متغیرهای اصلی همواره معین کننده وضعیت زمان یک نظام هستند؛ لذا اگر در مقیاس تکاملی پیدا کند بدین معناست که آن نظام در آن مقیاس متحول شده است که بتبع ساختارها نیز تغییر می یابند و به تبع منزلت و مکان امور عوض شده و توسعه واقع می شود.

ارکان هر نظام از نظر فلسفی برابر با شاخصه‌های توسعه و تکامل آن نظام می‌باشد. یعنی زمانی که ما توانستیم شاخصه‌های اساسی را که شاخصه‌های کلان می‌باشند را، مورد نمونه‌گیری قرار داده و نسبت‌های آنها را معین کردیم باید بتوانیم هر ۲۷ وصف را جمع‌بندی کرده و به سه شاخصه اصیل در بُعد رهبری و توسعه و تکامل منتهی نماییم تا بتوانیم بگوییم ارکان هر نظام از نظر فلسفی برابر با شاخصه‌های توسعه آن نظام می‌باشد. لذا ارکان هر نظام واسطه جریان یافتن تنظیم عمومی در یک نظام خاص می‌باشد.

ارکان هر نظام از نظر فلسفه نشام ولایت برابر با عناوین ظرفیت، جهت و عاملیت است این سه وصف در واقع همان اوصاف فلسفه تنظیم عمومی نظام است یعنی اوصافی که مربوط به بحث حرکت اعم از حرکت اتمی و کیهانی و نیز حرکت یک موجود زنده و یا حرکت تکاملی یک انسان یا جامعه می‌باشد. پس روش تنظیم عمومی ما در تنظیم یک نظام و مدل شناسایی محتاج یک واسطه در نظام خاص است که از آن به ارکان تعبیر می‌نماییم.

اما «اصول» هر نظام عبارت است از سطوح جریان یافتن اوصاف زمانی در ساختار ترکیبات مکان. اصول هر نظام مربوط به اوصافی است که منزلت امور متعدد و متنوع را در وحدت نظام تعیین می‌کند. همچنین اصول هر نظام از نظر فلسفی برابر با اوصاف شاخصه ساختار می‌باشد.

اصول هر نظام واسطه جریان یافتن فلسفه تنظیم عمومی در یک نظام خاص به صورت متقوم می‌باشد. اصول ساختار مکانی هر نظام از نظر فلسفه نظام ولایت برابر با محوری، تصرفی و تبعی می‌باشد.

«اساس» هر نظام نیز عبارت است از اوصاف کارآمدی که جریان هدایت قدرت عملکرد عینی ساختار نظام را تعیین می‌نماید؛ یعنی ما دارای نظامی با یک ساختار و یک قدرت عملکرد هستیم.

حال اساس و شاخصه‌های اساسی باید بتواند این ماشین را کنترل کند که آیا به نحو شایسته کار می‌کند یا اینکه دچار نقص است؟ لذا اساس هر نظام، شاخصه‌های ارزیابی قدرت عملکرد نظام را تعیین می‌نماید.

اساس هر نظام از نظر فلسفی برابر با شاخصه اوصاف کارآمدی است.

اساس هر نظام واسطه جریان یافتن فلسفه عمومی تنظیم اختیارات متقابل در یک نظام خاص می‌باشد. یعنی حدود وظایف و اختیارات را معین می‌کند. لذا تعیین ضرایب فنی مخصوص هر نظام اصولاً بر عهده اساس است.

اساس کارآمدی از نظر فلسفه نظام ولایت برابر با هماهنگی، وسیله و زمینه است.

اکنون ارکان یا شامل‌ترین اوصاف حاکم بر جدول دارای سه عنوان مبنا، موضوع و مقیاس است.

به عبارت دیگر اوصاف زمانی همان مبنا است. و اوصاف مکانی که بیان‌کننده طبقات یا سطوح ساختاری یا همان موضوع است. و اوصاف کارآیی نیز همان مبنا است. و اوصاف مکانی که بیان‌کننده طبقات یا سطوح ساختاری یا همان موضوع است. و اوصاف کارآیی نیز مبین نسبت بین زمان و مکان بوده و در این جدول به عنوان مقیاس ذکر گردیده است.

«مبنا» همان جوهره تکاملی جامعه است که سه بعد تمایلات، تفاهم و تعاون روی هم آن را تشکیل می‌دهند. یعنی در ابتدا وجود تمایلات مشترک و وحدت یافتن آن اساس تشکیل جامعه است و در مرتبه بعد همین سطح از تمایلات باید به تفاهم رسیده و در نهایت به تعاون و همکاری تبدیل می‌شود تا مبنا یا هسته اولیه تکامل جامعه شکل می‌گیرد.

«موضوع» نیز ساختار یا اوصاف مکانی است که در سه سطح توسعه، کالان و خرد قابل بررسی است موضوعات در سطح توسعه موضوعاتی است که تکامل جامعه را نتیجه می‌دهد موضوعات کلان نسبت بین دسته‌بندی‌های کلی در جامعه و موضوعات خرد عبارت از مصادیق و موضوعات خارجی است.

«مقیاس» اوصاف کارآیی که مبین نسبت بین زمان و مکان است. مقیاس نیز دارای سه سطح جهانی، بین‌المللی و ملی است حضور در سطح جهانی به منزله حضور در توسعه ظرفیت فهم جهانی است و ملی که توانست در این سطح حضور داشته باشد نسبت به سایر ملل رهبری و حاکمیت تاریخی یافته است. در سطح بین‌الملل یک ملت باید بتواند در نحوه ارتباط با سایر ملتها حضور داشته و در موازنه جهانی سهمی باشد. در سطح ملی نیز حضور یک ملت در تنظیم جهت‌گیری و ساختار درونی خود بدون ملاحظه روابط بین‌الملل و جهانی است.

در هر صورت فقدان این سه امر ما را در دستیابی به شاخصه‌های اساسی ناکام خواهد گذاشت البته وقتی به اصول می‌رسیم در واقع وارد مقوله جزیبی‌تری می‌شویم که خرد همان امور است به گونه‌ای که برای این جامعه مبنا را به گرایش، بینش و دانش و موضوعات را به توسعه، کالان و خرد و مقیاس را به جهانی، بین‌المللی و ملی تعریف می‌کنیم.

حال ارکانی که در آن جا تعریف شد در یک موضوع خاص همچون جامعه به صورت گرایش، بینش و دانش متبلور می‌شود و اگر موضوع مورد نظر ما فیزیک باشد دیگر معنا ندارد از این سه سخن بگوییم بلکه باید سه امر دیگر را مطرح کنیم که متناسب با آن موضوع باشد کذا همین تناسب باید در مورد موضوعات و کارآمدی نیز رعایت شود. پس مبنا به عنوان اوصاف زمانی موضوع بعنوان اوصاف مکانی و مقیاس بعنوان اوصاف نسبت بین زمان و مکان گرایش، بینش و دانش بعنوان ابعاد مبنا یا پایگاه تکامل. توسعه، کالان و خرد بعنوان ابعاد موضوع یا پایگاه جریان عدالت در تکامل، جهانی و بین‌المللی و ملی بعنوان ابعاد مقیاس یا پایگاه تکامل عینی مقدمات معرفی می‌شود.

## ۲-۱. رابطه میان توسعه، ساختار و کارآیی با ارکان، اصول و اساس

اکنون می‌خواهیم بحث را دقیق‌تر کرده و ببینیم چگونه می‌توان سه عنوان ارکان و اصول و اساس را تکثیر نمود و از ارکان اصول را بدست آورد و از اصول نیز اساس را؟

در جای خود گفته شد که ما با عناوینی به نام توسعه، ساختار و کارآیی سر و کار داریم که توسعه همواره وصف زمانی است و ساختار نیز مبین ارکان شی و بالاخره کارآیی بیانگر تأثیر آن است.

حال می‌توان این سه وصف اخیر را در ستون عمودی نیز نوشت و با ضرب آنها در یکدیگر به این عناوین رسید.

### توسعه توسعه، ساختار توسعه، کارآیی توسعه

اگر توسعه را وصف زمانی بگیریم آنگاه توسعه توسعه، به معنای زمان توسعه است بدین معنا که تحرک زمانی توسعه موضوع ما چگونه است؟

همچنین ساختار توسعه به معنای ترکیبات و ساختار آن است که باید ببینیم توسعه از چه ساختاری برخوردار است؟

و بالاخره کارآمدی توسعه سخن به میان می‌آید. اما در سطح دوم از این جدول ۹ عنوانی با سه عنوان ترکیبی

ذیل مواجه هستیم:

### توسعه ساختار، ساختار ساختار، کارآیی ساختار.

در توسعه ساختار سخن از چگونگی تکامل ترکیبات در میان است یعنی منزلت امور چگونه باید تغییر پیدا کند تا نتیجه بهتری گرفته شود؟

در ساختار نیز بحث چگونگی تغییر تنظیمات خود نظام در میان است. و در کارآیی ساختار سخن از قدرت عملکرد نظام و حدود آن مطرح می شود.

اما در سطح سوم این عناوین وجود دارد؛

### توسعه کارآیی، ساختار کارآیی و کارآیی کارآیی

در توسعه کارآیی از تکامل اثر در میان است در ساختار کارآیی از نظام آن بحث می شد و در کارآیی کارآیی تاثیر نهایی مطرح می شود.

اما آنچه به لحاظ اصطلاحی مشاهده می کنیم دقیقاً با آنچه در ارکان وجود دارد باید تطبیق شود به تعبیر بهتر باید ارکان را در سر و ستون و آن را به صورت مبنا، موضوع و مقیاس نمایش داد علت آنکه این عناوین سه گانه نیز قابل درج در سطح و ستون است همان مطلبی است که قبلاً اشارت رفت و آنها به عنوان اوصاف زمانی یاد کردیم.

اکنون عین همان ضرب سطر و ستون در توسعه، ساختار و کارآیی در این جدول نیز قابل ملاحظه خواهد بود و با لحاظ عناوین سه گانه فوق در این جدول می توان به مفاهیم جدیدی دست یافت.

اگر مبنا در مبنا ضرب شود و به صورت مبنا در توسعه مبنا نمایش داده شود می توان آن را گرایش نماید چه اینکه مبنا در ساختار مبنا نیز به عنوان بینش و بالاخره مبنا در کارآیی مبنا به عنوان دانش و تکنولوژی مطرح می شود.

مطلب دیگر اینکه در یک تعریف ساده از عناوین سه گانه مطروحه در مبنا به عنوان وف و عناوین مطروحه در موضوع به عنوان موصوف قلمداد می شوند لذا زمانی که سطوح سه گانه توسعه، کلان و خرد را مطرح می کنیم و در صدد بیان نسبت آنها با اوصاف سه گانه مبنا برمی آیم باید متوجه باشیم که این نسبت بیانگر موضوعات آن اوصاف است. به تعبیر دیگر در این حال به بیان طبقات سطوح مربوط به اوصاف می پردازیم.

کارایی	ساختار	توسعه	سطر ستون
کارایی توسعه	ساختار توسعه	توسعه توسعه	توسعه
کارایی ساختار	ساختار ساختار	توسعه ساختار	ساختار
کارایی کارایی	ساختار کارایی	توسعه کارایی	کارایی

## ۲. تبیین و توضیح اوصاف مبنا، موضوع و مقیاس بعنوان ارکان شناسایی جامعه

تشریح هر یک از این عناوین چنانچه در جدول مربوطه منعکس شده است مقابل هر کدام از آنها در سه بخش و مجموعاً ۹ واژه بیان شده است که عبارتند از گرایش، بینش و دانش توسعه، کلان و خرد جهانی، بین‌المللی و ملی

در این ۹ عنوان با تعاریفی سر کار داریم که در یک سطح مفهوم ساده تا یک مفهوم نظام‌مند و یک نتیجه جای گرفته است یعنی برای هر یک از آنها با یک نام و عنوان برخورد می‌کنیم. مثلاً گرایش اجتماعی را به پایگاه تکامل همبستگی تمایلات اجتماعی معنا کنیم این عنوان عمومیت دارد و می‌تواند از امور متعددی نیز حاصل شود. لذا بر امور بسیاری صادق است چون عنوان کلی است که البته دارای سه زیر بخش نیز می‌باشد. که در یکی از آنها این عنوان به یک نظام تعریف شده است یعنی یک مفهوم انتزاعی را با یک مفهومی که بیانگر نظام است برابر قرار داده‌ایم بگونه‌ای که می‌گوییم این خصوصیات برابر است با نظامات انگیزشی جامعه. پس این عناوین دارای یک مفهوم ساده و یک مفهوم به مجموعه هستند.

حال پس از آنکه عناوینی را برای نظام‌ها ارایه نمودیم به عنوان وجود رابطه بین ۹ عنوان معرفی می‌شوند که از ضرب  $3 \times 3$  عنوان حاصل می‌آید. این شکل کلی جدول است یعنی مفهومی به نوان مفهوم کلی انتزاعی است و مفهوم دیگر وجود دارد که نظام‌هایی را تعریف می‌کند و مفهومی که مشخص می‌کند در این نظام‌ها چه اموری وجود دارد و از کجا به دست آمده است؟

پس هر مجموعه را به نظام‌های درونی تعریف می‌کنیم و سپس از رابطه آن نظام‌ها با بیرون سخن می‌گوییم و در نهایت از نتیجه این نسبت بحث می‌کنیم. لذا تعریف جامعه که در یک مجموعه مطرح می‌شود الا تعریف به عناوین نظام‌هاست تا بتوانیم آنرا مرکب ببینیم و شی را در عینیت و نه در یک مفهوم مجرد ذهنی تعریف کنیم اگر تمایلات اجتماعی قرار باشد در عینیت مورد دقت قرار گیرد باید مشخص کنیم که میل به چه کسی و چه چیزی وجود دارد؟ اگر این میل میل به عنصر یا مفهوم و روابط یا شی باشد باید در هر صورت طرف میل را مشخص کرد.

بنابراین جامعه دارای سه متغیر اصلی، فرعی و تبعی است که متغیر اصلی همان وصفی است که تغییرات را نشان می‌دهد و از آن به مبنا تعبیر می‌شود اما متغیر دوم که متغیر فرعی است موضوعات ساختاری یا سطوح عملکرد متغیر اول محسوب می‌شود یعنی هر چه که ما با سه متوجه سر و کار داریم اما این هر سه اوصاف یک مجموعه به شمار می‌رود که با متغیر نسبت بین آنها مجموعه نیز متغیر پیدا می‌کند.

پس متغیر اصلی همواره متغیر زمانی یا زمان‌ساز است که دارای سه بخش ظرفیت، جهت و عاملیت است لذا متغیر اصلی از آن رو اصلی است که متغیراتش در زمان واقع می‌شود، و همین متغیر را باید تغییر داد تا بتوان مجموعه را متغیر کرد

حال همین متغیر زمان‌ساز که در آنجا به ظرفیت، جهت و عاملیت تقسیم می‌شد همان سه بخش در اینجا به گرایش، بینش و دانش تبدیل می‌شود.

متغیر اصلی مجموعه بنوبه خود مرکب است چون بصورت اوصافی است که در قالب یک نظام تعریف می‌شود و نمی‌توان آن را به صورت یک پدیده بسیط معنا کرد. اجزا متغیر اصلی هم که در متغیر فرعی عمل می‌کند دارای سه سطح توسعه، کلان و خرد است.

## ۱-۲. اوصاف مبنا

مبنای تکامل جامعه عبارت است از بنیان جریان تکامل وحدت اجتماعی. لذا یک جریان تکامل فرض شده است که دارای یک بنیان است اما این مقید به وحدت اجتماعی است وحدت اجتماعی نیز از این طریق قابل تحقق است.

۱. پایگاه تکامل همبستگی و تمایلات اجتماعی.

۲. پایگاه تکامل (تفاهم اجتماعی)

۳. پایگاه تکامل (تعاون اجتماعی)

این سه امر روی هم وحدت اجتماعی را نتیجه می‌دهند. بنابراین تمایلات، تفاهم و تعاون هر سه روی هم مبنا یا اوصاف جامعه‌اند اما زیربنای تمایلات را گرایش و زیر بنای تفاهم را بینش و زیر بنای تعاون را نیز دانش تکمیل می‌دهد.

### ۱-۱-۲. گرایش اجتماعی

بعنوان پایگاه تکامل همبستگی تمایلات اجتماعی محسوب می‌شود این عنوان هر چند که در ابتدا یک عنوان انتزاعی است اما باید در ارتباط با سایر عناوین قرار گرفته در آخر عنوانی مرکب را تحویل بدهد.

در هر صورت پایگاه تکامل اجتماعی برابر نظام‌های انگیزشی (اعم از ارزشی، دستوری و حقوقی) به عنوان متوجه یک نظام است. روابط درونی آن نظام برآیند وجود رابطه بین ولایت، تولی و تصرف در سه سطح تکوینی، تاریخی و اجتماعی است.

نظام‌های انگیزشی جامعه برآیند وجود رابطه بین امور روی هم بنیان نظام اخلاق و تکامل وجدان و همدلی اجتماعی را ترسیم خواهند کرد.

نظام‌های انگیزشی دارای سه سطح است در یک سطح ارزش‌ها یا شایستگی و ناشایستگی است و در سطح دوم این ارزش‌ها تبدیل به نبایدها و نبایدها می‌شود و در سطح آخر حقوق اجتماعی بر پایه آن نبایدها و نبایدها تعریف می‌شود. نظام حقوقی حاکم بر جامعه به وسیله بعث و زجرهایی که می‌نماید فضایی خاصی را برای به وجود آوردن حساسیت‌های خاص ایجاد می‌کند پیدایش این حساسیت‌ها سبب پرورش انگیزه خاصی است که در برای به وجود آوردن حساسیت‌هایی خاص ایجاد می‌کند پیدایش این حساسیت‌ها سبب پرورش انگیزه خاصی است که در پیدایش بینش اجتماعی نقشه زمینه را بر عهده دارد. با توجه به مطالب فوق‌الذکر گرایش، بینش و دانش باید به عنوان جدول طبقه‌بندی موضوعات و در جایگاه اوصاف زمانی یا مبنا مطرح شوند. هر چند که این سه وصف در مرتبه بعد در سه وصف ساختار ضرب شده و گرایش توسعه، گرایش کلان و گرایش خود، بینش توسعه، بینش کلان و بینش خرد، دانش توسعه، دانش خرد را تحول می‌دهند.

### ۲-۱-۲. بینش اجتماعی

همواره موضع‌گیری اساسی پیدایش بینش است. بینش اجتماعی پایگاه تفاهم اجتماعی است تفاهم اجتماعی نیز عنوانی تجریدی و انتزاعی است که باید در آخر عنوانی مرکب را تحویل بدهد.

تفاهم اجتماعی برابر با نظام‌های فلسفی جامعه یعنی فلسفه چرایی، (اصل علت و هستی هر پدیده) چیستی (طبقه‌بندی و دسته‌بندی بین موجودات از میدان‌های انرژی تا اشعه‌ها) و چگونگی (ابزار عملی کنترل و اداره عینیت) است.

این سه نظام فلسفی اگر در ارتباط با یکدیگر و در یک مجموعه ملاحظه شوند برآیند شناخت رابطه بین هستی، فیزیک و ریاضی را نتیجه می‌دهند لذا باید این سه را در وحدت و کثرت، مکان و زمان و اختیار و آگاهی ضرب کنیم تا در نتیجه بنیان نظام فکری جامعه پایه‌ریزی شود.

بنابراین در فلسفه چگونگی باید مکانیزم پیدایش و متغیر مورد بررسی قرار گیرد و در فلسفه چرایی علت و دلیل به صورت کلی معین شود و در فلسفه چیستی خاصیت و کارایی و اثر و نسبت آن با سایر اشیا و خصوصیات آن مشخص شود.

اما هر سه فلسفه باید فیزیک، ریاضی و منابع را در خودشان تعریف نمایند علاوه بر آن این سه تعریف باید نسبت به، وحدت و کثرت زمان و مکان و اختیار و آگاهی هماهنگ و متلایم باشند در این صورت بنیان نظام فکری جامعه تکامل ادبی و همفکری اجتماعی خواهد شد.

در هر صورت درون این سه نظام سه امر هستی، فیزیک و ریاضی به صورت کلی مطرح است اگر هستی‌شناسی با رفتارشناسی و نسبت‌های میان رفتارها ارتباطی نداشته باشد و هر یک از این امور سه گانه هستی، فیزیک و ریاضی بصورت جداگانه بیان شود به تبع قدرت عملکرد و کارایی هستی‌شناسی ما نیز محدود خواهد شد.

اگر رفتار هستی تعریف شده از سوی ما با نسبت سنجش‌ها و سنجش‌هایی که نسبت و تناسب را در قالب معادلات ریاضی تمام می‌کند و هر دوی آنها با هستی‌شناسی مور نظر هماهنگ باشند، باید در موضوعات هستی وحدت و کثرت، هستی زمان و مکان و بالاخره هستی اختیار و آگاهی تفسیری واحد ارایه نمود. به تعبیر دیگر هماهنگی فیزیک وحدت و کثرت، فیزیک زمان و مکان و فیزیک اختیار و آگاهی با ریاضی و هستی در سه دسته از موضوعات ۶ گانه وحدت و کثرت مکان و زمان اختیار و آگاهی بصورت هماهنگ عمل کنند، آنگاه قدرت تفاهم اجتماعی جامعه تکامل پیدا می‌کند.

در این حال صحیح است بگوییم چنین جامعه‌ای از نعمت نظام فکری، تکامل ادبی و هم فکری اجتماعی بهره‌مند است.

### ۳-۱-۲. دانش اجتماعی

همان دست‌یابی به پایگاه تکامل تعاون اجتماعی است از آنجا که تعاون و همکاری در افعال و رفتار عینی بوده و اعمال بدون مقدورات تحقق نمی‌یابد، بنابراین مقدورات پایگاه تعاون همکاری می‌گردد.

مقدورات نیز خارج از انسان، ابزار و امکان نیست نتیجه نظام‌های کاربردی جامعه (نسبت به هر سه دسته) از برآیند نظام‌های درونی آن به دست می‌آید که برآیند کارایی رابطه بین حیات (زیست‌شناسی) انسان (انسان‌شناسی) جامعه (جامعه‌شناسی) ضرب در فیزیک، (رفتار نظام ماده) شیمی (برآیند نظام ماده) و منابع (برآیند نظام طبیعی) است.

به طور خلاصه می‌توان گفت که دانش اجتماعی برابر با نظامات تجارب کاربردی جامعه است. تجارب

کاربردی هر چند ارتقا فرایند نیروی انسانی ابزار و امکان را به دنبال دارد، اما خود برآیند یک امر درونی است که در قالب تعریف ما از حیات و انسان می‌گنجد.

البته این مطلب را نیز باید در نظر داشت که تجارب کاربردی به معنای حاکمیت قوانین جبری ماده بر انسان نیست. در هر صورت باید نظام تجارب را از طریق ضرب ۶ عنوان فیزیک، شیمی و منابع طبیعی در حیات، انسان و جامعه تنظیم نمود.

اساساً رفتار نظام ماده خارج از اصل حرکت نبوده و ملاحظه نسبت حرکت بیرون ملکول ماده و درون ماده به عهده علم فیزیک است در مطالعه ساختارهای برون ملکولی سه سطح:

استاتیک (ایستا)

مکانیک (در حال حرکت)

سیالات (مایعات و گازها)

وجود دارد. در مطالعه ساختارهای درون ملکولی نیز سه سطح الکترونیک، الکترون و کوانتوم (نور، اشعه، امواج) قابل بررسی می‌باشند.

اما بعد از تسلط به نظام رفتار ماده در فیزیک می‌توان بر اساس نیازمندی‌های جامعه و تکامل آن، محصولات جدیدی را سفارش داد، و علم شیمی متکفل دستیابی به معادلات متغیر در نظام رفتار ماده برای رسیدن به آلیاژ و اوصاف جدید است.

اصولاً ماده برای رفتار خود دارای یک نظام خاص است که در خصوص متغیرات و کارآمدی بحث می‌کند گاهی این نظام پیرامون یک مرتبه از ماده که اشعه و الکترونیک نام دارد به ارایه تعریف دوباره رفتار آن می‌پردازد و گاهی در یک سطح پایین‌تر مرتبه‌ای دیگر از ماده که الکترونیک و الکتروسیسته نام دارد و گاهی از آن پایین‌تر در خصوص رفتار مولکول و مکانیزم ماده که همانا ساختار برون ملکولی است و شامل هیدرولیک یا سیالات و استاتیک می‌باشد، سخن می‌گوید با این وصف می‌توان کلیات موضوع فیزیک را در نظام و ساختار رفتار ماده خلاصه کرد.

اما در شیمی از برآیند همین رفتار بحث می‌شود مثلاً این علم خود را موظف می‌داند که از برگ کاج تعریف و معادله تولید ارایه دهد اگر قرار باشد به متغیر ساختار درون مولکولی بپردازد باید بتواند محصول دیگری را تحویل دهد باید این مهم را به فیزیک که وظیفه متغیر ساختارها را بر عهده دارد ارجاع داد پس صحیح است یک شیمیدان به یک فیزیک‌دان بگوید باید برای من ساختار درون مولکولی را متغیر دهی تا بتوانم محصول جدیدی را به جامعه انسانی تحویل بدهم.

اما در منابع طبیعی از برآیند نظام طبیعی سخن به میان می‌آید که البته دستیابی به آن منوط به میزان قدرت تسخیر ما است.

## ۲-۲. اوصاف موضوع

اکنون به توضیح عناوین خرد و کلان و توسعه در موضوع تکامل اجتماعی می‌پردازد. اما قبل از لازم است اشاره کنیم که اصولاً سه سطح برای طبقه‌بندی موضوعات جامعه مطرح است به تعبیر بهتر یکی از عوامل متغیری



(که به معنای اوصافند) عوامل زمان‌ساز است که متغیرات را پدید می‌آورد و به عنوان اوصاف زمانی معروف است.

حال این اوصاف در سه سطح (مکان) و به دیگر بیان سه سطحی که مربوط به ساختار است دارای دسته‌بندی خاصی می‌باشد که بصورت سطوح توسعه، کلان و خرد مطرح است البته نسبت بین زمان و مکان نیز کارآمدی نام دارد.

#### ۱-۲-۲. توسعه

موضوعات جامعه بوسیله نیازمندی‌ها، روابط و رفتار اجتماعی شکل می‌گیرد. اما هرگاه عدالت در نیازها، روابط و رفتار اجتماعی جاری می‌شود، پایگاه تکامل نیازمندی‌های اجتماعی، پایگاه تکامل روابط اجتماعی و پایگاه تکامل رفتار اجتماعی را می‌توان معرفی کرد. از این رو توسعه پایگاه جریان عدالت در تکامل نیازمندی‌های اجتماعی محسوب می‌شود. و این پایگاه برابر با نظام‌های هدایت توانمندی جامعه است موقعیت این نظام‌ها حاصل استراتژی یا راهبرد، سیاست‌گذاری و برنامه یا مناسک رفتار اجتماعی است.

منتجه توانمندی جامعه از نظام‌های درونی آن است که از برآیند همان رابطه بین تمایلات، تفاهم و تعاون ضرب در سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. بنیان نظام ولایت جامعه حاصل ارتقاء و تکامل در جهت‌گیری و صیانت اجتماعی است این صیانت در مقابل خطرات نظام کفر موضوعیت دارد.

اکنون که توسعه برابر با نظام‌های هدایت توانمندی‌های جامعه است اگر تکامل نیاز به صورت نیاز به همبستگی، حضور در آرمان و نیاز الهی تبلور یابد، بگونه‌ای که همبستگی، وابستگی وحدت بینش و تکامل الهی ارتقا پیدا کند و تعاون عینی در مقیاس توسعه گسترش یابد، قطعاً توان جامعه نیز بیشتر می‌شود که البته برابر با توسعه، ساختار و کارایی است. عنوان توسعه در اینجا چیزی جز نظام اصطلاحات ما نیست که دارای سه وصف زمانی، مکانی و کارایی است.

مطلب دیگر اینکه منظور از توسعه، توسعه بنیان نظام ولایت جامعه و تکامل جهت‌گیری و صیانت اجتماعی بوده و منظور از صیانت اجتماعی به حداقل رساندن آسیب‌پذیری جامعه است.

#### ۲-۲-۲. کلان

اما سطح دوم جامعه، تنظیمات کلان می‌باشد، که این امر بر اساس استراتژی صورت می‌پذیرد یعنی همان نسبت‌ها و دسته‌بندی‌های بزرگی که بر موضوعات گوناگون انجام می‌شود در واقع با عمل تخصیص - که به عنوان عمل بعدی محسوب می‌شود - می‌توان همان نسبت‌های موجود بین موضوعات را با یکدیگر مقایسه کرد و مورد سنجش قرار می‌دهیم.

در هر صورت بعد از صیانت نظام از خطرات کفر بوسیله نظام ولایت جامعه نوبت به جریان عدالت در روابط یا ابزار انتقال قدرت، اطلاع، ثروت درون نظام می‌رسد که موجب توازن یا موازنه درونی نظام می‌شود.

منتجه نظام‌های توازن توانمندی اجتماعی مدیریت، مشارکت و مباشرت از برخورد نظام‌های درونی، نظام تصمیم‌گیری، نظام تخصیص، نظام اجرا ضرب در نهادهای دولتی، نهادهای اجتماعی و نهاد خانواده بدست می‌آید.

حاصل توازن اجتماعی تکامل انضباط و تقوای اجتماعی است که این امر بدون تولی تحقق نمی‌یابد.

پس سطح کلان پایگاه جریان عدالت در روابط سازمان است گاهی سخن از تکامل جامعه می‌گوییم و سپس اضافه می‌کنیم تعادل بدین معناست که بتواند روابط بین اجزا درون را بگونه‌ای تنظیم کند که وضعیت مطلوب‌تری بر مجموعه حاکم شود.

اکنون منظور از عدالت در روابط درونی این سیستم و نه تکامل آن، عدالت در روابط اجتماعی یک نظام است. عنوان انتزاعی سطح کلان بگونه‌ای است که این سطح برابر با نظام‌های توازن توان‌مندی جامعه تعریف می‌شود. این توازن به معنای تعادل قدرت است و دارای سه نظام مزبور است. نام مدیریت آن همان نظام تصمیم‌گیری است که تمامی اراده‌ها حول یک اراده جریان می‌یابد. در نظام مشارکت از حدود وظایف و اختیارات سخن گفته می‌شود. این سه وصف مربوط به نظام عملکرد است که از یک سلول کوچک تا بزرگترین واحد را شامل می‌شود، این سه نظام زمانی می‌توانند بصورت هماهنگ عمل کنند که بتوان برآیند ساختار روابط بین سه نظام در تصمیم‌گیری، تخصیص و اجرا را در سطح کلان تعریف نمود. نام تصمیم‌گیری همان نظام قدرت است که باید برای فرد مدیر چه الگوی مدیریتی وجود دارد تا بتواند به توزیع قدرت برای پیدایش تصمیم و اراده پردازد. همچنین باید دید چه الگوی تخصصی است و به چه صورت یک اعتبار را به یک امر مشخص تخصیص می‌دهد؟ و بالاخره دارای الگوی اجرایی است و به چه صورت گردش عملیات را در دستگاه خود طراحی می‌کند؟

سه مولفه دیگر در این سطح، نهادهای دولت، خانواده و اجتماعی است که اگر در این سطح به توازن در روابط اجتماعی وجود داشته باشد می‌توان شاهد استحکام بنیان نظام تولی جامعه، تکامل انضیب و تقوای اجتماعی بود.

### ۲-۲-۳. خرد

خرد به معنای پایگاه جریان عدالت در رفتار اجتماعی برابر با نظام‌های بهره‌وری اجتماعی است. لذا بهره‌وری تنها به معنای سهم افراد در نظام‌های بهره‌وری اجتماعی با مکانیزم‌های اجتماعی است. نظام‌های درونی خرد از برآیند جریان رابطه بین تولید، توزیع، مصرف ضرب در دولتی، گروهی و عمومی به دست می‌آید.

منتجه نظامات درونی موجب پیدایش سه ظنم می‌گردد که عبارتند از:

۱. نظام انگیزشی که مفسر هدف رفتار و علت پیدایش عشق و پتانسیل در انسان‌ها می‌شود.

۲. نظام پرورشی که مفسر فعالیت‌های روحی، ذهنی و رفتاری است.

۳. نظام گزینش که مفسر جایگاه بکارگیری فرد در نظام، بعد از پیدایش انگیزش و پرورش خاص می‌باشد.

نتیجه آنکه سطح توسعه بیانگر تکامل یک وصف بوده و به این سوال اساسی می‌پردازد که جریان تکامل در آن وصف به چه صورت است؟ این سطح علت متغیرات و پیدایش را نشان می‌دهد. اما سطح کلان بیانگر نسبت‌های کلی جریان آن وصف است و سطح خرد نیز بیانگر مصادیق عینی شده آن وصف است.

توضیح واضح توسعه و کلان و خرد در قالب یک مثال بدین گونه است که هرگاه اشیایی که در یک اتاق دیده می‌شود قرار باشد خود و کارآمدی آنها را ملاحظه کنیم باید آنها را در سطح خرد بدانیم و اگر از این سطح بالاتر برویم و آنها را بر اساس وصف خاصی دسته‌بندی کنیم که دیگر یک امر جزئی بحث نباشد و در واقع بررسی نسبت بین دسته‌ها را مد نظر قرار دهیم آنگاه در سطح کلان وارد شده‌ایم و زمانی که نتیجه را در یک مجموعه ملاحظه کرده و می‌گوییم اثر این بهینه چگونه است در واقع در سطح توسعه گام نهاده‌ایم.

### ۲-۳. اوصاف مقیاس

چنانچه مطرح شد اوصاف جامعه عبارت از اوصاف زمان زمان، مکان زمان کارآیی زمان بود. البته متغیرهای این مجموعه که در واقع متغیرهای زمانی آن بود قبلاً مورد دقت قرار گرفت گرایش، بینش و دانش می‌باشد. همچنین بیان شد این اوصاف دارای موضوعات و موصوفاتی که بصورت خرد و کلان و توسعه مطرحند. لذا در آن مباحث در خصوص سطوح عملکرد اوصاف سخن گفتیم. اما در این قسمت درصدد آنیم روشن نماییم کارآمدی و تاثیر اوصاف زمانی در سطوح مکانی چگونه قابل اندازه‌گیری است، لذا روی سخن پیرامون ابزارهای تشخیص سهم تاثیر یا کارآمدی است.

#### ۲-۳-۱. مقیاس جهانی

آن گونه که بیان گردید مقیاس به معنای کارآمدی است که شامل سه قسمت هماهنگ‌سازی یا پایگاه عینی مقدورات اولیه یا جهانی، وسیله یا پایگاه تکامل عینی روابط مقدورات شکل‌پذیر یا بین‌المللی و زمینه یا پایگاه تکامل عینی مقدورات شکل گرفته در نظام‌های تشخیص سهم تاثیر جامعه (قدرت، اطلاع و ثروت) است. به اعتقاد ما مقیاس می‌تواند در قالب مقیاس ملی که همواره در درون نظام مطرح است، بین‌المللی به صورت روابط بین ملل تعریف می‌شود و جهانی که به شکل قطب‌های توسعه عالم است، بیان شود.

اما در مورد مقیاس جهانی منظور بیان نظام تعریف و احکام تکامل معادله‌های جهانی است. به عبارت دیگر حاکمیت جهانی از آن کسی است که قدرت تولید تعریف شامل‌تری را داشته باشد. چگونگی تعریف نیز بدین گونه است که توانسته‌اند مقیاس کارآمدی انسان، ابزار یا منابع را در سرعت، دقت و تاثیر (در مقیاس) متغیر می‌دهد. پس ارتقاء سرعت، دقت و تاثیر معلول متغیر تعریف انسان، ابزار و منابع طبیعی است.

بنابراین زمانی از قالب جهانی سخن می‌گوییم اعم از اینکه در سه وصف گرایش، بینش و دانش و نیز در سطوح خرد کلان و توسعه مطرح شود باید آن امر توانسته باشد در تاریخ اثر جدیدی بر جای گذاشته باشد به تعبیر دیگر نگاه اثری بصورت جهانی مطرح می‌شود که توانسته باشیم تعاریف مربوط به انسان، ابزار و منابع طبیعی را متغیر دهیم.

#### ۲-۳-۲. مقیاس بین‌المللی

نیز منوط به دارا بودن نظام تشخیص سهم تاثیر جامعه هماهنگی مقدورات، موانع و مقاصد است یعنی برقراری نسبتی بین موانع و مقدورات یا انحلال موانع در جهت به مقاصد،

اساساً مقاصد به همین دلیل دارای طرح است که بتواند موانع را برای رسیدن به مقاصد برطرف نموده و تبدیل کند.

حال با توجه به منابع ارتباطی، منابع اجتماعی وسایل ارتباطی و شرایط ارتباطی چه در جامعه و چه در تکنیک و چه در سطح طبیعی مدعی ساختار عدالت اجتماعی و تکامل کرامت انسانی هست.

#### ۲-۳-۳. مقیاس ملی

«مقیاس ملی» برابر با نظام‌های تشخیص سهم تاثیر جامعه در بهره‌وری روانی، ذهنی و عینی است که از برآیند ترکیب محصولات تأمین محصولات و تخصیص محصولات است.

تکامل جامعه در سطح ملی برآیند جریان رابطه بین ترکیب، تأمین و تخصیص محصولات با نیازهای تکاملی، صنفی و فردی می‌باشد. اینکه از ترکیب محصولات موجود دنیا ما چه قدرتی را در تأمین داریم، در مرتبه از تأمین چگونه آن را تخصیص بزنیم تا نیازهای تکاملی، نیازهای صنفی و فردی جامعه بر طرف شود حاصلی که این فعالیت دارد ارضا نیاز روحی، ذهنی و عینی جامعه است که بنیان نظام نیاز ارضاء و تکامل بهزیستی جامعه می‌باشد.

مقیاس ملی به عنوان پایگاه تکامل عینی مقدرات شکل گرفته تعریف است. منظور از مقدرات شکل گرفته آن دسته از انسان‌ها، کالاها و ارتباطی است که شکل پذیرفته و دیگر زمینه پذیرش شکل جدیدی را ندارد و همگی به عنوان مقدرات مصرفی محسوب می‌شوند.



تولید مبنای نظری برنامه‌های توسعه اسلامی

## الگوی تحلیل

واژه‌های کلیدی تنظیم زیرساخت «نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه»

نقد و نقض مبنای نظری و مستندات برنامه توسعه چهارم

### مندرجات ضمیمه:

۱. فرهنگ شاخصه‌های ارزیابی جامعه
  - ۱/۱. تجزیه اصطلاحات «فرهنگ شاخصه‌های ارزیابی جامعه»
  - ۱/۲. تجزیه عناوین «فرهنگ شاخصه‌های ارزیابی جامعه»
  - ۱/۳. تحلیل «فرهنگ شاخصه‌های ارزیابی جامعه»
۲. فلسفه شاخصه‌های ارزیابی جامعه
  - ۲/۱. تجزیه اصطلاحات «فلسفه شاخصه‌های ارزیابی جامعه»
  - ۲/۲. تجزیه عناوین «فلسفه شاخصه‌های ارزیابی جامعه»
  - ۲/۳. تحلیل «فلسفه شاخصه‌های ارزیابی جامعه»
۳. زیرساخت شاخصه‌های ارزیابی جامعه
  - ۳/۱. تجزیه اصطلاحات «زیرساخت شاخصه‌های ارزیابی جامعه»
  - ۳/۲. تجزیه عناوین «زیرساخت شاخصه‌های ارزیابی جامعه»
  - ۳/۳. تحلیل «زیرساخت شاخصه‌های ارزیابی جامعه»

## حسینیه اندیشه

محتوا

مدت پژوهش: روز

تاریخ شروع: ۱۳۸ /

تاریخ پایان: ۱۳۸ /

ضمیمه گزارش هجده



## ← فهرست‌های بلوک اول و بلوک دوم

سرپرست پژوهش: حجت‌الاسلام والمسلمین مسعود صدوق  
کارشناسان پژوهش: حجج اسلام؛ موسوی موشح، روح‌الله صدوق، علی‌رضا انجم‌شعاع،  
احمد زیبایی‌نژاد و محمدصادق حیدری  
انتشارات: معاونت برنامه  
نگارش: اول  
تاریخ نشر: ۱۳۸۶/۲/۱

معاونت پژوهش

## الگوی تحلیل

# واژه‌های کلیدی تنظیم زیرساخت نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه»

(در قالب تنظیم ۱۳ جدول)

دکتر فرشته‌تنگ علوم اسلامی «آکادمی»

مهرماه ۱۳۸۵













اهداف		توسعه →	کلاژ	خرد	مباحث مورد بررسی دستیابی به اهداف	ارزش	آدرس	ضرورت بررسی موضوعات	تبعی	فرعی	اصلی ← موضوعات
<b>خاستگاه ارزشی شاخصه‌های ارزیابی جامعه</b>	<b>مبدأ نظام اخلاقی</b>	<b>حقوقی</b>	جهت‌گیری پژوهش	جهت‌گیری پژوهش	جهت‌گیری پژوهش ترکیب	۴	۱-۳-۳	تصرف اجتماعی	پروازش ترکیب	مجاهده	<b>نظام انگیزشی</b>
			جهت‌گیری پژوهش	جهت‌گیری پژوهش	جهت‌گیری پژوهش	۸	۱-۳-۲	تصرف تاریخی	پروازش تجزیه	<b>موضوع‌گیری</b>	
			جهت‌گیری پژوهش	جهت‌گیری پژوهش	جهت‌گیری پژوهش	۱۶	۱-۳-۱	تصرف تکوینی	پروازش تجزیه		
		<b>حجیت</b>	موضوع‌گیری گمانه	موضوع‌گیری گمانه تحلیل	موضوع‌گیری گمانه تحلیل	۱۶	۲-۱-۲	چراغی مجموعه‌ای	گمانه تجزیه	<b>گمانه</b>	
			موضوع‌گیری گمانه	موضوع‌گیری گمانه ترکیب	موضوع‌گیری گمانه ترکیب	۸	۲-۱-۳	چراغی تکاملی	گمانه ترکیب		
			موضوع‌گیری ترکیب	موضوع‌گیری ترکیب	موضوع‌گیری ترکیب	۱۶	۲-۲-۱	چستی انزاعی	گرایش تجزیه		
	<b>مبدأ نظام تعریف</b>	<b>معادله</b>	موضوع‌گیری پژوهش	موضوع‌گیری پژوهش	موضوع‌گیری پژوهش تحلیل	۸	۲-۲-۲	چستی مجموعه‌ای	گرایش تحلیل	<b>نظام پرورشی</b>	
			موضوع‌گیری پژوهش	موضوع‌گیری پژوهش	موضوع‌گیری پژوهش ترکیب	۴	۲-۲-۳	چستی تکاملی	گرایش ترکیب		
			موضوع‌گیری پژوهش	موضوع‌گیری پژوهش	موضوع‌گیری پژوهش	۸	۲-۳-۱	چگونگی انزاعی	پروازش تجزیه		
		<b>ممل</b>	موضوع‌گیری پژوهش	موضوع‌گیری پژوهش	موضوع‌گیری پژوهش تحلیل	۴	۲-۳-۲	چگونگی مجموعه‌ای	پروازش تحلیل		<b>پروازش</b>
			موضوع‌گیری پژوهش	موضوع‌گیری پژوهش	موضوع‌گیری پژوهش ترکیب	۲	۲-۳-۳	چگونگی تکاملی	پروازش ترکیب		
			موضوع‌گیری پژوهش	موضوع‌گیری پژوهش	موضوع‌گیری پژوهش	۱۶	۲-۱-۱	صنعت فزیریک	گمانه تجزیه		
<b>مبدأ نظام مقدرات</b>	<b>آزمایشگاه</b>	مجاهده‌گرینش	مجاهده‌گرینش	مجاهده‌گرینش تجزیه	۸	۲-۲-۱	اقتصاد فزیریک	گرینش تجزیه	<b>نظام گرینشی</b>		
		مجاهده‌گرینش	مجاهده‌گرینش	مجاهده‌گرینش تحلیل	۴	۲-۲-۲	اقتصاد ریاضی	گرینش تحلیل			
		مجاهده‌گرینش	مجاهده‌گرینش	مجاهده‌گرینش ترکیب	۲	۲-۲-۳	اقتصاد زیست	گرینش ترکیب			
	<b>طبیعی</b>	مجاهده‌پروازش	مجاهده‌پروازش	مجاهده‌پروازش تجزیه	۴	۲-۳-۱	جامعه فزیریک	پروازش تجزیه		<b>ترکیب</b>	
		مجاهده‌پروازش	مجاهده‌پروازش	مجاهده‌پروازش تحلیل	۲	۲-۳-۲	جامعه ریاضی	پروازش تحلیل			
		مجاهده‌پروازش	مجاهده‌پروازش	مجاهده‌پروازش ترکیب	۱	۲-۳-۳	جامعه زیست	پروازش ترکیب			

فرهنگ شاخصه‌های ارزیابی جامعه

مهرماه ۱۳۸۵ - پیش‌نویس دوم - پیش‌نویس صدوق - تنظیم مجدد: حجت‌الاسلام والمسلمین صدوق - حضرت استاد علامه حسینی الهاشمی (ره) -

جدول ترکیب









۳			۲			۱			مراحل فعالیت‌ها محورها
مبدأ نظام مقدرات			مبدأ نظام تعریف			مبدأ نظام اخلاقی			
۳	۲	۱	۳	۲	۱	۳	۲	۱	۱
طبیعی	آزمایشگاهی	مالی	مدل	معادله	حجیت	حقوقی	دستوری	ارزشی	
۳۳۱	۳۲۱	۳۱۱	۲۳۱	۲۲۱	۲۱۱	۱۳۱	۱۲۱	۱۱۱	پیدایش
جامعه فیزیک	اقتصاد فیزیک	صنعت فیزیک	چگونگی انتزاعی	چستی انتزاعی	چرایی انتزاعی	تصرف تکوینی	تولی تکوینی	ولایت تکوینی	
۳۳۲	۳۲۲	۳۱۲	۲۳۲	۲۲۲	۲۱۲	۱۳۲	۱۲۲	۱۱۲	۲
									تغییرات
جامعه ریاضی	اقتصاد ریاضی	صنعت ریاضی	چگونگی مجموعه‌ای	چستی مجموعه‌ای	چرایی مجموعه‌ای	تصرف تاریخی	تولی تاریخی	ولایت تاریخی	
۳۳۳	۳۲۳	۳۱۳	۲۳۳	۲۲۳	۲۱۳	۱۳۳	۱۲۳	۱۱۳	۳
									تکامل
جامعه زیست	اقتصاد زیست	صنعت زیست	چگونگی تکاملی	چستی تکاملی	چرایی تکاملی	تصرف اجتماعی	تولی اجتماعی	ولایت اجتماعی	



<b>دانش</b>	<b>بیش</b>	<b>گرایش</b>
-------------	------------	--------------

سطح فرعی: ارکان فرهنگ شاخصه‌های ارزیابی جامعه

<b>نظام گزینشی</b>		<b>نظام پرورشی</b>		<b>نظام انگیزشی</b>	
ترکیب	تحلیل	تجزیه	پردازش	گرایش	گمانه
				مجاهده	موضوع‌گیری
				جهت‌گیری	

سطح تبعی: اساس فرهنگ شاخصه‌های ارزیابی جامعه

<b>مبدأ نظام اخلاقی</b>						<b>مبدأ نظام تعریف</b>						<b>مبدأ نظام مقدرات</b>					
<b>ارزشی</b>		<b>دستوری</b>		<b>حقوقی</b>		<b>حجیت</b>		<b>معادله</b>		<b>مدل</b>		<b>مالی</b>		<b>آزمایشگاهی</b>		<b>طبیعی</b>	
(جهت‌گیری گمانه تجزیه)		(جهت‌گیری گمانه تجزیه)		(جهت‌گیری گزینش تجزیه)		(موضع‌گیری گمانه تجزیه)		(موضع‌گیری گمانه تحلیل)		(موضع‌گیری گمانه ترکیب)		(موضع‌گیری گزینش تجزیه)		(موضع‌گیری گزینش تحلیل)		(مجاهده گمانه تجزیه)	
ولایت تکوینی		ولایت تاریخی		ولایت اجتماعی		تولّی تکوینی		تولّی تاریخی		تولّی اجتماعی		تصرّف تکوینی		تصرّف تاریخی		تصرّف اجتماعی	
(جهت‌گیری گمانه تجزیه)		(جهت‌گیری گزینش تجزیه)		(جهت‌گیری گزینش تحلیل)		(جهت‌گیری گزینش ترکیب)		(موضع‌گیری گمانه تجزیه)		(موضع‌گیری گمانه تحلیل)		(موضع‌گیری گمانه ترکیب)		(موضع‌گیری گزینش تجزیه)		(موضع‌گیری گزینش تحلیل)	
چرایبی انتزاعی		چرایبی مجموعه‌ای		چرایبی تکاملی		چیستی انتزاعی		چیستی مجموعه‌ای		چیستی تکاملی		چگونگی انتزاعی		چگونگی مجموعه‌ای		چگونگی تکاملی	
(مجاهده گمانه تجزیه)		(مجاهده گمانه تحلیل)		(مجاهده گمانه ترکیب)		(مجاهده گزینش تجزیه)		(مجاهده گزینش تحلیل)		(مجاهده گزینش ترکیب)		(مجاهده گزینش تجزیه)		(مجاهده گزینش تحلیل)		(مجاهده گزینش ترکیب)	
صنعت فیزیک		صنعت ریاضی		صنعت زیست		اقتصاد فیزیک		اقتصاد ریاضی		اقتصاد زیست		جامعه فیزیک		جامعه ریاضی		جامعه زیست	



موضوعات ←	اصلی	فرعی	تبعی	ضرورت بررسی موضوعات	آدرس	ارزش	مباحث مورد بررسی دستیابی به اهداف	خرد	کلاژ	توسعه → اهداف	
فلسفه شاخصه‌های ارزیابی جامعه	نظام افزایشی	ارتباط	ترتیب مصرفی	همکاری آگاهی	۱-۱-۲	۳۳	اقتدار ترتیب توزیعی	اقتدار ترتیب	نظامی امنیتی	مبدأ نظام توانمندی اجتماعی	
			ترتیب مصرفی	همکاری آگاهی	۱-۱-۳	۱۶	اقتدار ترتیب مصرفی	اقتدار ترتیب	اطلاعرسان ی رسانه‌ای اجتماعی	هنر اسلامی	
			تنظیم تولیدی	همکاری آگاهی	۱-۲-۱	۳۳	اقتدار تنظیم تولیدی	اقتدار تنظیم	اقتدار تنظیم	اقتدار تنظیم	
		انتظار	تنظیم مصرفی	همکاری آگاهی	۱-۲-۲	۱۶	اقتدار تنظیم توزیعی	۸	اقتدار تنظیم مصرفی	اقتدار تنظیم	اقتدار تنظیم
			تدبیر تولیدی	همکاری آزادی	۱-۳-۱	۱۶	اقتدار تدبیر تولیدی	۸	اقتدار تنظیم مصرفی	اقتدار تنظیم	اقتدار تنظیم
			تدبیر توزیعی	همکاری آگاهی	۱-۳-۲	۸	اقتدار تدبیر توزیعی	۸	اقتدار تنظیم مصرفی	اقتدار تنظیم	اقتدار تنظیم
		نظام گسترشی	تدبیر مصرفی	ترتیب تولیدی	نظام تخصیص نیروی انسانی	۲-۱-۱	۳۳	ارتباط ترتیب تولیدی	ارتباط ترتیب	ارتباط ترتیب	ارتباط ترتیب
				ترتیب توزیعی	نظام تخصیص نیروی انسانی	۲-۱-۲	۱۶	ارتباط ترتیب توزیعی	ارتباط ترتیب	ارتباط ترتیب	ارتباط ترتیب
				تنظیم مصرفی	نظام تخصیص نیروی انسانی	۲-۲-۱	۱۶	ارتباط تنظیم تولیدی	ارتباط تنظیم	ارتباط تنظیم	ارتباط تنظیم
		نظام سازشی	تدبیر	تنظیم مصرفی	نظام تخصیص نهاد خانواده	۲-۲-۲	۸	ارتباط تنظیم مصرفی	ارتباط تنظیم	ارتباط تنظیم	ارتباط تنظیم
				تدبیر تولیدی	نظام اجرا نهادهای دولتی	۲-۳-۱	۸	ارتباط تدبیر تولیدی	ارتباط تدبیر	ارتباط تدبیر	ارتباط تدبیر
				تدبیر توزیعی	نظام اجرا نهادهای اجتماعی	۲-۳-۲	۴	ارتباط تدبیر توزیعی	ارتباط تدبیر	ارتباط تدبیر	ارتباط تدبیر
نظام مشارکت اجتماعی	مشارکت اجتماعی	مشارکت	نظام اجرا نهاد خانواده	۲-۳-۳	۲	ارتباط تدبیر مصرفی	ارتباط تدبیر	ارتباط تدبیر	ارتباط تدبیر		
		مشارکت	انگیزش دولتی	۲-۱-۱	۱۶	انتظار ترتیب تولیدی	انتظار ترتیب	انتظار ترتیب	انتظار ترتیب		
		مشارکت	انگیزش گروهی	۲-۱-۲	۸	انتظار ترتیب توزیعی	انتظار ترتیب	انتظار ترتیب	انتظار ترتیب		
نظام مشارکت اجتماعی	مشارکت اجتماعی	مشارکت	انگیزش عمومی	۲-۱-۳	۴	انتظار ترتیب مصرفی	انتظار ترتیب	انتظار ترتیب	انتظار ترتیب		
		مشارکت	پروژه دولتی	۲-۲-۱	۸	انتظار تنظیم تولیدی	انتظار تنظیم	انتظار تنظیم	انتظار تنظیم		
		مشارکت	پروژه عمومی	۲-۲-۲	۴	انتظار تنظیم توزیعی	انتظار تنظیم	انتظار تنظیم	انتظار تنظیم		
نظام مشارکت اجتماعی	مشارکت اجتماعی	مشارکت	پروژه عمومی	۲-۲-۳	۲	انتظار تنظیم مصرفی	انتظار تنظیم	انتظار تنظیم	انتظار تنظیم		
		مشارکت	گرایش دولتی	۲-۳-۱	۴	انتظار تدبیر تولیدی	انتظار تدبیر	انتظار تدبیر	انتظار تدبیر		
		مشارکت	گرایش گروهی	۲-۳-۲	۲	انتظار تدبیر توزیعی	انتظار تدبیر	انتظار تدبیر	انتظار تدبیر		
نظام مشارکت اجتماعی	مشارکت اجتماعی	مشارکت	گرایش عمومی	۲-۳-۳	۱	انتظار تدبیر مصرفی	انتظار تدبیر	انتظار تدبیر	انتظار تدبیر		
		مشارکت	گرایش عمومی	۲-۳-۳	۱	انتظار تدبیر مصرفی	انتظار تدبیر	انتظار تدبیر	انتظار تدبیر		
		مشارکت	گرایش عمومی	۲-۳-۳	۱	انتظار تدبیر مصرفی	انتظار تدبیر	انتظار تدبیر	انتظار تدبیر		

















موضوعات ← اصلی	فرعی	تبعی	ضرورت بررسی موضوعات	ارزش	آدرس	مباحث مورد بررسی دستیابی به اهداف	خرد	کلاژ	توسعه → اهداف
زیرساخت شاخصه‌های ارزیابی جامعه	نظام‌های تشخیص سهم تأثیر در ایجاد	مقدورات روانی	سرعت انسانی		۱-۱-۱	قدرت مقدورات روانی	قدرت مقدورات	تعریف	مبدأ نظام حاکمیت
		قدرت ذهنی	سرعت ابزار		۱-۱-۲	قدرت مقدورات ذهنی	قدرت مقدورات	قدرت	
		مقدورات عینی	سرعت منابع طبیعی		۱-۱-۳	قدرت مقدورات عینی	قدرت مقدورات	قدرت	
	اطلاع	موانع روانی	دقت انسانی		۱-۲-۱	قدرت موانع روانی	قدرت موانع	تکلیف	مبدأ نظام توازن ارتباط
		موانع ذهنی	دقت ابزار		۱-۲-۲	قدرت موانع ذهنی	قدرت موانع	قدرت	
		موانع عینی	دقت منابع طبیعی		۱-۲-۳	قدرت موانع عینی	قدرت موانع	قدرت	
	ثروت	مقاصد روانی	تأثیر انسانی		۱-۳-۱	قدرت مقاصد روانی	قدرت مقاصد	تطبيق	مبدأ نظام سیاسی
		مقاصد ذهنی	تأثیر ابزار		۱-۳-۲	قدرت مقاصد ذهنی	قدرت مقاصد	قدرت	
		مقاصد عینی	تأثیر منابع طبیعی		۱-۳-۳	قدرت مقاصد عینی	قدرت مقاصد	قدرت	
	مقاصد	مقدورات روانی	منابع اجتماعی		۲-۱-۱	اطلاع مقدورات روانی	اطلاع مقدورات	مسايقه	مبدأ نظام معاينه
		مقدورات ذهنی	منابع ارتباطی تکنیکی		۲-۱-۲	اطلاع مقدورات ذهنی	اطلاع مقدورات	مذاکره	
		مقدورات عینی	منابع ارتباطی طبیعی		۲-۱-۳	اطلاع مقدورات عینی	اطلاع مقدورات	معاينه	
مقاصد	موانع روانی	وسایل ارتباطی اجتماعی		۲-۲-۱	اطلاع موانع روانی	اطلاع موانع	معاينه	مبدأ نظام فرهنگی	
	موانع ذهنی	وسایل ارتباطی تکنیکی		۲-۲-۲	اطلاع موانع ذهنی	اطلاع موانع			
	موانع عینی	وسایل ارتباطی طبیعی		۲-۲-۳	اطلاع موانع عینی	اطلاع موانع			
مقاصد	مقاصد روانی	شرایط ارتباطی اجتماعی		۲-۳-۱	اطلاع مقاصد روانی	اطلاع مقاصد	معاينه	مبدأ نظام اقتصادی	
	مقاصد ذهنی	شرایط ارتباطی تکنیکی		۲-۳-۲	اطلاع مقاصد ذهنی	اطلاع مقاصد			
	مقاصد عینی	شرایط ارتباطی طبیعی		۲-۳-۳	اطلاع مقاصد عینی	اطلاع مقاصد			
مقاصد عینی	مقدورات روانی	ترکیب محصولات نیازهای تکاملی		۲-۱-۱	ثروت مقدورات روانی	ثروت مقدورات	مبدأ نظام بهره‌یستی	مبدأ نظام بهره‌یستی	
	مقدورات ذهنی	ترکیب محصولات نیازهای صنفی		۲-۱-۲	ثروت مقدورات ذهنی	ثروت مقدورات			
	مقدورات عینی	ترکیب محصولات نیازهای فردی		۲-۱-۳	ثروت مقدورات عینی	ثروت مقدورات			
مقاصد عینی	موانع روانی	تأمین محصولات نیازهای تکاملی		۲-۲-۱	ثروت موانع روانی	ثروت موانع	مبدأ نظام فرهنگی	مبدأ نظام اقتصادی	
	موانع ذهنی	تأمین محصولات نیازهای صنفی		۲-۲-۲	ثروت موانع ذهنی	ثروت موانع			
	موانع عینی	تأمین محصولات نیازهای فردی		۲-۲-۳	ثروت موانع عینی	ثروت موانع			
مقاصد عینی	مقاصد روانی	تخصیص محصولات نیازهای تکاملی		۲-۳-۱	ثروت مقاصد روانی	ثروت مقاصد	مبدأ نظام اقتصادی	مبدأ نظام اقتصادی	
	مقاصد ذهنی	تخصیص محصولات نیازهای صنفی		۲-۳-۲	ثروت مقاصد ذهنی	ثروت مقاصد			
	مقاصد عینی	تخصیص محصولات نیازهای فردی		۲-۳-۳	ثروت مقاصد عینی	ثروت مقاصد			

مهرماه ۱۳۸۵ - پیش‌نویس دوم - پیش‌نویس صدوق - تنظیم مجدد: حجت‌الاسلام والمسلمین صدوق - حضرت استاد علامه حسینی الهاشمی(ره) -

جدول ترکیب













